

نقش زمان و مکان در اثرپذیری دهقانان از فتوح اسلامی*

کوروش صالحی^۱

چکیده

با ورود اعراب مسلمان به ایران و انقراض اشراف درجه اول ساسانی، دهقانان به‌عنوان حکام محلی و کدخدایان روستاها اداره بخش مهمی از جامعه ایران را به دست گرفتند. و از آنجا که آنان امیدی به بازگشت نظام قدیمی ساسانی نداشتند، تصمیم به برقراری ارتباط با نیروهای اسلامی گرفتند. اعراب مسلمان نیز که در ابتدا از دهقانان برای نظارت بر کشور یاری طلبیده بودند، با حکام محلی صلح کردند و به آنان مسئولیتی را که در دوره ساسانی داشتند سپردند. در این روند، دهقانان نواحی غربی قلمرو ساسانی با دهقانان نواحی داخلی و شرقی از نظر اسلام‌پذیری و ارتباط با اعراب یکسان نبودند. زمان فتوح و فاصله جغرافیایی از مرکز خلافت اسلامی در این میان موثر بوده است. ورود اعراب و ترکها در سده‌های اول و سوم مهمترین عامل زوال دهقانان در ایران بود. روش این پژوهش و جهت‌گیری شیوه گردآوری داده‌ها، تاریخی بوده است. واژگان کلیدی: دهقانان، فتوح اسلامی، بین‌النهرین، خراسان، ماوراءالنهر.

Islamic Conquests and Their Influence on the Peasants: the Impact of Time and Geographical Distance

Kurosh Salehi²

Abstract

With the entrance of the Arab Moslems into Iran and the first-degree Sasanian wealthies extinction, the peasants as local governors and village rulers (kadag-xwadāy) undertake Iran's public leadership. And because they did not have any hope for Sasanian's old system to come back, they decided to establish a relationship with Islamic forces. Also Arab Moslems, who at first had required the peasants to help them supervise country, made peace with the local ruler clique and established them in charge of the work they were doing in the Sasanian period. In this process, the peasants in the west and the east part of the Sasanian territory were different in terms of acceptance or non-acceptance of Islam and Arabic language. That was influenced by the time of conquests and geographical distance from the capital of Islamic caliphate. Entrance of Arab and Turks in the first and third century was the most significant element of the peasants' decline in Iran. The approach of this study and its methods in gathering data are historical.

Keywords: Peasants, Islamic Conquests, Mesopotamia, Khorasan, Transoxiana.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان*
تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۷/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۳۸۹/۱۲/۲۰
2. Assistant Professor of History, Department of History, University of Sistan & Baluchestan: ksalehi50@yahoo.com

مقدمه

بحران‌ها و اوضاع آشفته‌ی اواخر دوره‌ی ساسانی در هنگامه‌ی شکل‌گیری حکومت اسلامی در شبه‌جزیره‌ی عربستان، باعث شد که ضمن برهم‌خوردن توازن سیاسی - نظامی در جنوب غربی و غرب ایران، گستره‌ی ایران عصر ساسانی از بین‌النهرین تا ماوراءالنهر در معرض فتوح اسلامی قرار گیرد. این رویداد در طی چند دهه پدید آمد و در آغاز دهه‌ی ۴۰ قمری بیشتر نقاط ایران به دست مسلمانان افتاد و چنان شد که با فتوح قتیبه بن مسلم در ماوراءالنهر و محمد بن قاسم در سند (دهه‌ی ۹۰ قمری)، فرمانروایی امیران عرب در ایران و شرقی‌ترین مرزهای تاریخی آن به تثبیت رسید. در پی فتوح مسلمانان و سقوط ساسانیان، رجال عالی‌رتبه‌ی ساسانی که در ساختار اجتماعی ایران طبقات فرادست را شامل می‌شدند، از ساختار حکومت و قدرت کنار گذاشته شده و برای برقراری روابط بین فاتحان عرب و جامعه ایرانی، دهقانان نقش‌آفرینی خود را آغاز کردند. این اقدام باعث شد که دهقانان به عنوان اشراف زمین‌دار به مرتبتی والاتر از دوره‌ی ساسانیان دست یابند و گذشته از نقش اقتصادی (به ویژه جمع و جبا‌یت خراج و مالیات سرانه)، در زمینه‌ی انتقال فرهنگ و تمدن ایران باستان به عصر اسلامی در طی قرون نخستین اسلامی اثرگذار باشند.

مسأله‌ای که این تحقیق به آن می‌پردازد، بررسی نقش شرایط زمانی و مکانی در روند اسلام‌پذیری دهقانان در دوره‌ی فتوح اسلامی است. از نظر گستره‌ی جغرافیایی فتوح، هر چه فاصله‌ی مکانی دهقانان نسبت به کانون خلافت بیشتر می‌گشت، شکل و وضعیت آنان نیز دچار تغییر می‌شد و این وضعیت البته در ارتباط با شرایط زمانی از دهه‌ی آغازین فتح ایران تا واپسین دهه‌های سده‌ی دوم قمری تغییر می‌کرد.

بررسی منابع نشان می‌دهد که واژه‌ی دهقان^۳ در منابع تاریخی قرون نخستین اسلامی، درباره‌ی

۳. دهقان واژه‌ای برگرفته از ریشه دهگان فارسی است و در اصطلاح تاریخی بخشی از اشرافیت جامعه ساسانی که صاحبان املاک روستایی و اداره‌کننده‌ی محلی روستاها بودند، را بدین نام می‌خواندند. دهقانان از دوره‌ی خسرو اول (انوشیروان) تا تشکیل حکومت‌های ترک‌زاد در ایران شالوده‌ی نظام اداری و دیوانی حکومت‌ها در املاک روستاها و مسئول اداره محلی نواحی خود بودند. دهقانان نسب خود را به دوره‌ی اسطوره‌ای ایران می‌رسانند. برای آگاهی بیشتر، نک: جاماسب جی دستور منوچهر جی ماسب آسانا، متن‌های پهلوی، ترجمه سعید عربیان، ج ۱ (تهران: پژوهش، ۱۳۸۲)، ص ۶۷. دهقانان به شیوه‌ی واستروفشوبینه اوستایی (زندگی کشاورزی و دامپروری)، زندگی می‌کردند. صورت قدیمی‌تر این کلمه دهیگان از واژه دهیو به معنی صاحب ده (سرزمین؛ کشور) و در زبان ارمنی نیز به شکل دهکن و در ترکی به شکل تکین وام گرفته شده است؛ در این باره، نک: محمدین احمد خوارزمی، مفاتیح العلوم، تصحیح فان فلوتن، لیدن: بریل، ۱۸۹۵، ص ۱۲۰. نجم‌الدین رازی در کتاب *مرصادالعباد* فصل ششم در بیان سلوک دهاقین و رؤسا و مزارعان، «دهقنت» و زارعت را بازرگانی با خدا و بهترین صنایع و مکاسب می‌داند و به دوران خویش آنان را سه طایفه بر می‌شمردند. طبقه‌ی اول دهقانان که مال و ملک دارند و مزارعان و مزدوران برایشان کار می‌کنند؛ طایفه دوم رؤسا و مقدمان‌اند که مانند طایفه اولند اما کار رتق و فتق امور را دارند و به عدالت و دین رفتار می‌کنند. طایفه سوم مزارعان و مزدورانند که برای دهقانان کار

دهقانان نواحی مرکزی و شرقی، بیشتر از نواحی غربی قلمرو ساسانیان و از آن میان، سواد (جنوب بین‌النهرین و جنوب غربی خوزستان) کاربرد داشته است.^۴ از دیگر سو، در سواد به جز دوره فتوح تا میانه قرن دوم قمری، کمتر اثری از دهقانان به یادگار مانده است؛ زیرا گروهی از آنها در آن روزگار در جنگ با اعراب کشته یا اسیر شده و جایگاه خود را از دست دادند و یا در صلح و تسلیم با اعراب موقعیت خود را حفظ کردند و با مهاجرت اعراب به نواحی آنان به تدریج از اهمیت افتاده‌اند. اما در نواحی داخلی و شرقی ایران، به دلیل زمان‌بَر شدن دوره فتوح در دهه‌های نخستین اسلامی، دهقانان وضعیت متفاوتی یافتند و حتی چنانکه بیان خواهد شد این امر به تثبیت موقعیت آنان پس از تسلط اعراب کمک بیشتری کرد؛ این موضوع به شرایط صلح و دوام آنها در طی دوره فتوح اسلامی بستگی داشته است.

دهقانان در نواحی مرکزی و شرقی ایران بیشتر در ارتباط حکومتی با امیران عرب قرار گرفته و توانستند جایگاه مهمی را به دست آورند. با گسترش فتوح اسلامی به سوی نواحی شرقی به خصوص خراسان بزرگ، جایگاه ویژه دهقانان هم از نظر تداوم تاریخی و ثروت و هم از نظر حفظ میراث و هویت باستانی، تبلور بیشتری می‌یافت. دهقانان خراسان در دوره ساسانی برای مقابله با هجوم‌های هپتالیان (هیاطله)، تقویت شده بودند و در روزگار فتوح اسلامی نیز، قدرت محلی زیادی به دست آوردند و جایگاه و ثروت و اختیارات زیادی را برای خود حفظ کردند. دهقانان موفق شدند با حفظ جایگاه گذشته بر نقش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود در دوره اسلامی بیافزایند و در این راه، بین جامعه ایرانی از یک سو و امیران عرب در ایران از دیگر سو توازن برقرار کنند. قاعدتاً این امر در پدید آمدن حکومت‌های ایرانی تحت امر دستگاه خلافت عباسی، مانند طاهریان و سامانیان نیز بی‌تأثیر نبوده است.

با آنکه دهقانان در نواحی شرقی به چنان نقش‌آفرینی‌هایی دست یافتند، اما دهقانان در نواحی غربی از همان سپیده دم فتوح، رو به زوال افتادند. حضور مستقیم اعراب هم از نظر کثرت جمعیت و بافت جدید اجتماعی، و نابسامانی زمین‌ها و اوضاع اشراف زمین‌دار در بین‌النهرین و خوزستان از مهم‌ترین دلایل این امر است. در نواحی شرقی‌تر با گذشت زمان، انگیزه فاتحان تا رسیدن به

می‌کنند؛ نجم‌الدین رازی، مرصاد العباد من المبدء الی المعاد، به اهتمام محمد امین ریاحی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱) ص ۵۱۳ و ۵۲۱. با این پیشینه معلوم می‌گردد که در ادوار اسلامی تا قرن پنجم نیز هنوز معنی واژه دهقان با دوره ساسانی چندان متفاوت نشده است اگر چه در طی روند حیات اجتماعی دهقانان مقاطع گوناگونی به وجود آمد اما کلیت و موجودیت این طبقه همچنان به دوره اسلامی نیز تداوم داشت. برای آگاهی بیشتر درباره واژگان ده، دهقان و واژه‌شناسی تاریخی آن در ارتباط با نظام اجتماعی ده‌نشینی در ایران دوره باستان و اسلامی، نک: حسن باستانی راد، «واژه‌شناسی تاریخی ده و روستا در ایران»، «مجله علمی - پژوهشی تاریخ ایران، دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۵/۹، ص ۷۷ - ۷۱.

4. Tafazzoli, Ahmad. "Dehqān, in the Sasanian Period". *Encyclopaedia Iranica*. Vol. IV: Mazda Publishers, 1999. p. 224.

محدوده‌های دهقانان شرقی عوض شده بود و بُعد فاصله تا مرکز خلافت نیز ترکیب جمعیتی و نفوذی را به نفع غیرعرب‌ها تغییر می‌داد. این درحالی است که، اسلام‌پذیری توسط دهقانان در نواحی غربی به منزله قبول حاکمیت مستقیم فاتحان به حساب می‌آمد.

چنان که از طرح مسأله بر می‌آید، موضوع دهقانان تاکنون از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است؛ هم از نظر نقش آنان در انتقال فرهنگ ایرانی به دوره اسلامی و هم از نظر جایگاه آنان در برقراری موازنه میان اعراب و ایرانیان. اما این تحقیق بر آن است تا با بررسی منابع و پژوهش‌ها بر پایه روش تحقیق تاریخی، به تحلیل و تبیین اثرپذیری دهقانان از جریان فتوح پردازد و چگونگی برخورد دهقانان با این رویداد را با در نظر داشتن توالی وقوع و مسیر جغرافیایی فتوح و حوادث در ارتباط با آن بررسی کند.

دهقانان و چگونگی فتوح مسلمانان

با رحلت پیامبر اکرم (ص) و ظهور متنبین و گسترش پدیده ارتداد^۵ بیم آن می‌رفت که با بیدار شدن روح رقابت قبایل، برادرکشی و جنگ‌های بی‌پایان اقوام عرب، دامن‌گیر حکومت نوپای اسلامی مدینه شود. از این رو مقابله با مرتدین در سرلوحه اقدامات خلیفه اول قرار گرفت.^۶ نزدیک شدن سپاه اسلام به مرزهای ایران و متصرفات روم در سوریه علاوه بر سرکوب مرتدین، جهان اسلام را با مرزهای جغرافیایی دیگر آشنا کرد. به کارگیری نیروی جنگی قبایل و متوجه ساختن آنها به سرزمین‌های آباد ایران و سوریه برای جلوگیری از جنگ‌های داخلی در عربستان و گسترش اسلام، اقدامی بود که اقوام و قبایل عرب را برای کسب پادشاهی معنوی و مادی فراوان به زیر یک پرچم بسیج نمود^۷ مقدماتی نظیر جنگ با اهل رده و آشنایی قبایل بنی بکر ابن وائل با منطقه سواد و ساختار کامل عربی - سامی منطقه بین النهرین اولین تمایل به توسعه را در اقوام عرب مسلمان به وجود آورد.^۸

در این زمان ساسانیان دستخوش جایجایی مداوم شاهان و عدم ثبات سیاسی - اداری بودند و توجهی به تحولات برون مرزی خصوصاً قبایل عرب و دولت مدینه نداشتند. قبایل بنی بکر که

۵. مطهر بن طاهر مقدسی، *آفرینش و تاریخ*، ج ۴ تا ۶، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی (تهران: آگه، ۱۳۷۴)، ص ۸۳۵ و ابوالفرج ابن العبری، *تاریخ مختصرالدول*، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی (تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۶۴)، ص ۱۵۸.

۶. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹)، ص ۲۶۲ و ۲۶۳.

۷. سرتوماس آرنولد، *تاریخ گسترش اسلام*، ترجمه ابوالفضل عزتی (تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۵۸)، ص ۳۵.

۸. هشام جعیت، *کوفه پیدایش شهر اسلامی*، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲)، ص ۱۳.

در نواحی مرزی منطقه سواد هر از چندگاهی کروفری داشتند برای کسب غنائم و همچنین تجدید پیروزی‌ها (مانند ذی قار) با آگاهی از وضعیت آشفته دربار ساسانی، عرب‌های مسلمان را به منابع سرشار مادی رهنمون شدند. نگاهی کوتاه بر ذهنیت ساسانیان نسبت به قوم عرب تا سالیان بعد از فتوح بر این امر دلالت دارد که ایرانیان عرب‌ها را قومی بدوی، غارتگر که به دلیل سختی‌های زندگی به مرزهای کشور ایران حمله‌ور شده‌اند، می‌دانستند. چیزی که این ذهنیت را تقویت می‌نمود حمله عرب‌ها به ایران در زمان هرمز دوم و تنبیه آنان توسط شاپور ذوالاکتاف، ایجاد دولت حایل حیره برای مقابله محلی با آنان و همچنین اولین مباحثی که در مذاکرات بین سرداران سپاه ایران و عرب‌ها صورت می‌گرفت، به این مطلب اشاره دارد.^۹ ارتش ساسانی که در یک روند طولانی در جنگ با روم، علاوه بر فرسایش قوا برای مقابله با روش جنگ رومیان مهیا شده بود، از جنگ و گریز و شیوه‌هایی که عرب‌ها در فتوح به کار گرفتند، تقریباً فاصله گرفته بود و توانایی چندان در مقابله با حملات جدید از خود نشان نداد و از سوی دیگر نیز هیچ کدام از فرماندهان ساسانی فکر نمی‌کردند که عرب‌ها قصد فتح سرزمین‌های ساسانی را دارند بلکه تفکر آنها این بود که چند روز و ماهی عرب‌ها به غارت می‌پردازند و سپس به صحرا بر می‌گردند.^{۱۰} موقعیت پایتخت ساسانیان تیسفون نیز بسیار پرخطر بود^{۱۱} تسلط بر بین‌النهرین که در اندیشه شاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی برای کسب موقعیت‌های برتر جایگاه مهمی داشت، در روزگار ساسانیان ویژگی بارزتری پیدا کرده بود. رقابت با روم، تسلط بر بین‌النهرین، فاصله گرفتن از مرزهای شرقی که هیاطله به آن حمله ور می‌شدند و اطمینان شاهان از اینکه صحرا یک مانع طبیعی فعال و حایلی بین آنها و عرب‌ها خواهد بود، تیسفون (مداین) را در نظر آنها پایتخت امن و آرام جلوه می‌داد. این تفکر که در زمان هخامنشیان و اشکانیان منطقی به نظر می‌رسید در زمان ساسانیان با توجه به ساختار سیاسی مذهبی حکومت به واسطه دو عامل بزرگ، پایتخت ساسانی را دچار مرگ زود هنگام نمود. با سقوط پایتخت و وضعیت بد سلطنت و جامعه ساسانی بذر امید در دل فاتحان پاشیده شده، موجب افزایش فعالیت آنان برای به دست آوردن یزدگرد سوم می‌شد.^{۱۲} اولین عامل ترکیب نژادی و مذهبی بین‌النهرین بود. ساسانیان نتوانستند تسلط دین زردشت را بر سراسر بین‌النهرین بگسترانند. سابقه تاریخی این منطقه نشان می‌داد که مردمی سامی نژادند و در سپیده‌دم تاریخ

۹. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۴، ترجمه محمدحسین روحانی (تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۸)، ص ۱۷۴.

۱۰. ریچارد فرای، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا (تهران: نشر سروش، ۱۳۷۵)، ص ۷۲.

۱۱. دیوید مورگان، *ایران در سده‌های میانه*، ترجمه فرخ جوانمردیان (تهران: نشر فروهر، ۱۳۷۴)، ص ۲۱.

۱۲. احمد یحیی بلاذری، *فتوح البلدان*، ترجمه آذرتاش آذرنوش (تهران: سروش، ۱۳۶۴)، ص ۳۴۵.

دولت شهرهایی از خود داشتند که با سقوط آنها توسط قدرت‌های بزرگتر به مانند شهروندان غیر همگون آن قدرت‌ها عمل می‌نمودند و تا زمانی که قدرت مرکزی، مقتدر بود، اطاعت آنان مشهود و با افول قدرت مرکزی سر از عنان اطاعت به در می‌بردند.^{۱۳} در این ناحیه حضور مسیحیان، یهودیان، صابئین، مانویان و مزدکیان سرزمینی قابل نفوذ برای فاتحان و گسست معنوی بزرگی برای ساختار حکومت ساسانی به صورتی خاموش ایجاد کرده بود.^{۱۴}

دومین عامل عدم توجه به تحولات دولت اسلامی مدینه بود. پایتخت ساسانیان به مرزهای غربی و جنوب غربی بسیار نزدیک بود و با از بین رفتن حیره و تغییر در ساختار حکومت آن،^{۱۵} تنها صحرا بود که نقش دفاع طبیعی را بر عهده می‌گرفت. عرب‌ها با عبور از این صحاری و اعلام جهاد علیه ساسانیان، ایالات مختلف را یکی پس از دیگری فتح نمودند. این فتوح که در توالی سالهای مختلف صورت می‌گرفت متأثر از نگرش خلافت به مساله گسترش اسلام بود.^{۱۶} در هم شکستن آخرین مقاومت‌های ساسانیان، دستگیری یا مرگ یزدگرد سوم، گسترش نفوذ اسلام، مهاجرت قبایل به درون ایران کسب غنائم و وضع خراج و جزیه عمده ترین اهداف و پیامدهای این روند تاریخی به شمار می‌آمد.^{۱۷} در این بین نقش و کارکرد طبقه دهقانان و تنوع وضعیت آنها در جامعه اسلامی با توجه به تحولات و نگرش خلفا نسبت به سرزمین‌های مفتوحه جدید، قابل توجه است. با سقوط ساسانیان طبقات ممتاز و دیوانیان به دلیل جنگ با مسلمانان اسیر یا فراری شدند. عرب‌های مسلمان که با نظام مالیاتی آشنایی نداشتند، مجبور بودند با کمک اشراف محلی زمین‌دار که متولی اداره محلی روستاها بودند به امور مالی خود سر و سامانی دهند.^{۱۸} اشراف زمین‌دار ضمن حفظ موقعیت گذشته خود در نظام جدید اداری نیز موقعیت بهتری یافتند.^{۱۹} با پیشرفت مسلمانان در سرزمین‌های ایرانی، میزان نفوذ و کارکرد دهقانان متفاوت به نظر می‌رسد.^{۲۰} زیرا در اولین برخوردها

۱۳. برتولد، ایشولر، *ایران در قرون نخستین اسلامی*، ج ۱، ترجمه مریم میراحمدی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)، ص ۲.

۱۴. صالح احمد العلی، *مهاجرت قبایل عرب در صدر اسلام*، ترجمه هادی انصاری (تهران: سمت، ۱۳۶۲)، ص ۲۵.

۱۵. ابن واضح یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶)، ص ۴۶۳.

16. Hugh Kennedy, *The Armies Of The Caliphs* (New York: Routledge, 2001), p. 4-5.

۱۷. ابوالحسن علی بن بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰)، ص ۶۶۴.

۱۸. قدامه بن جعفر، *کتاب الخراج و صنعه الکتابه*، به کوشش حسین خدیوچم (تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳)،

ص چهل و سه.

۱۹. محمد محمدی ملایری، *تاریخ و فرهنگ ایران*، دل ایرانشهر، ج ۲ (تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۵)، ص ۱۰۴.

۲۰. احمد تفضلی، *جامعه ساسانی سپاهیان*، کاتبان و دبیران و دهقانان، ترجمه شیرین مختاریان و مهدی باقی (تهران: نشرنی،

۱۳۸۵)، ص ۶۸

که هنوز احتمال ادامه بقای ساسانیان وجود داشت، مقاومت‌هایی از سوی دهقانان بزرگ صورت می‌گرفت. از همین رو آنها یا کشته شده و یا به اسارت در می‌آمدند و اموالشان به غنیمت برده می‌شد.^{۲۱} در ادامه کار فتوح با احساس ناامیدی از بقای ساسانیان، دهقانان در تکاپو برای ایجاد تعامل با جامعه جدید اسلامی بودند^{۲۲} که در این مورد علاوه بر حفظ اموال و نفوذ در حکومت جدید نیز اعتباری یافتند^{۲۳} و قسمت بعدی مربوط به دهقانانی است که در سرزمین‌های دورتر از خلافت علاوه بر حفظ موقعیتشان، میراث باستانی را احیاء کرده، به دلیل وجود ترکان در شرق و بعد مسافت با مرکز خلافت گاهی مسلمانان را نیز مغلوب می‌کردند.^{۲۴} بافت سیاسی - اجتماعی مقتدر در شرق ایران یعنی خراسان، کانون تحولات عظیم آینده در جهان اسلامی، نظیر سقوط امویان، شکل‌گیری قیام‌های ایرانی و تشکیل حکومت‌های محلی نیمه مستقل و مستقل ایرانی گردید.^{۲۵}

دهقانان نواحی غربی ایران

نخستین یورش‌های عرب‌ها به نواحی سواد (جنوب شرقی عراق)، جنگ و گریزهایی بود که توسط بادیه‌نشینانی چون بنی‌شیبان از قبیله بنی بکر (بکر بن وائل) انجام می‌شد. تضعیف حیره و پیامدهای نبرد ذی‌قار در دوره خسرو پرویز، در تنوع و تداوم این حملات دخیل بود. جنوب حیره، در فاصله نبرد ذی‌قار تا ورود خالد بن ولید به عنوان فرمانده سپاه اسلام، کانون حمله به ممالک ساسانی بود. مثنی این حارثه شیبانی و سوید بن قطبه از فرماندهان قبایل بنی بکر بودند که به املاک دهقانان ایرانی اطراف سواد، برای اولین بار حملاتی داشتند که پس از غارت به سرعت به صحرا می‌گریختند.^{۲۶} آگاهی این دسته از عرب‌ها از وضعیت بد دربار ساسانی و دعوت از خلیفه برای بسیج عمومی علیه ساسانیان توسط مثنی بن حارثه، حملات جسته و گریخته را به جنگ تمام عیار و فتوح بعد از آن مبدل ساخت.

با فتح حیره توسط خالد بن ولید راه برای فتح پایتخت ساسانی هموار شد. سقوط ناباورانه مداین علاوه بر غنائم و ثروت‌های زیاد که برای فاتحان داشت، عرب‌ها را برای فتح دیگر سرزمین‌های

۲۱. ابن اثیر، ص ۱۷۵.

۲۲. بلاذری، ص ۲۷۰.

۲۳. محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران: نشر اساطیر ۱۳۶۸)، ج ۵، ص ۱۸۰۶ و ۱۸۰۷.

۲۴. واسیلی ولادیسیر بارتولد، ترکستان‌نامه، ج ۱، ترجمه کریم کشاورز (تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۶)، ص ۴۱۵.

۲۵. آلتون دانیل، تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: علمی و فرهنگی،

۱۳۶۷)، ص ۲۰۹ - ۲۰۸.

۲۶. ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، الاخبار الطوال (دارالحیاء قاهره: الکتب العربیه. ۱۹۶۰)، ص ۱۱۱ و ۱۴۲.

ساسانی ترغیب کرد. در این میان دهقانان که اشراف درجه دو در ساختار اجتماعی ساسانیان بودند، در یک روند ساده اما متنوع با فاتحان مسلمان به تعامل پرداختند. در نظر دهقانان، حاکمان ساسانی جای خود را به امیران عرب داده بودند و از این نظر چندان که باید، تفتوت نمی‌کرد چه کسی بر آنان سروری داشته باشد.^{۲۷} اما این امر در جامعه دهقانان یک‌دست نبود؛ زیرا بسته به منطقه و نوع تصرف آن میزان مالیات و بقای دهقان در محل، عملکرد آنان نیز متفاوت بود. در طی فتوح نیز زمان و مکان بر موقعیت دهقانان ایرانی تأثیر زیادی داشت. دهقانان که «خداوندان ضیاع و املاک» بودند،^{۲۸} وظیفه اداره دیه‌ها را بر عهده داشتند، تنها طبقه قابل توجهی بودند که پس از فتوح مسلمین و کنار رفتن ساسانیان و اشراف در جامعه تداوم تاریخی داشتند و به دلیل نفوذ اجتماعی و بستگی فوق‌العاده به املاک و زمین در محل خود باقی ماندند. با عرب‌ها به جنگ یا صلح پرداخته و پس از فتوح نیز اداره‌کننده املاک خود و جمع‌کننده مالیات سرانه و زمین شدند. با ورود عرب‌های مسلمان به نواحی سواد به دلیل جدی شدن حملات و پیروزی‌های مسلمانان، دهقانان این نواحی چون امیدی به دربار ساسانی نداشتند با عرب‌ها به جنگ یا مذاکره پرداختند. این برخوردها برای هر دو طرف تازگی داشت از یک سو دهقانان می‌بایست با اعرابی که تا آن روز غارتگرانی بیش به نظر نمی‌آمدند به مذاکره بر اساس اصول و قوانین جدید اسلامی پرداخته، به صورت مشروط و معقود به حیات خود در جامعه جدید ادامه دهند^{۲۹} و از دیگر سو، مسلمانان وارد مناطقی شدند که از نظر زبانی، هویتی، جغرافیایی و نظم اجتماعی با فضای داخلی عربستان، تفاوت داشت و چون تجربه‌ای برای اداره این سرزمین‌ها نداشتند، ناچار می‌بایست با سرآمدان آن جامعه به مذاکره و مصالحه بپردازند.^{۳۰} در زمان خلیفه دوم، سپاهی بزرگ برای حمله به عراق آماده شد. با ورود این سپاه به عراق دهقانان با عرب‌های مسلمان به مذاکره پرداختند. عرب‌ها در این ناحیه به دهقانانی که پیمان صلح نداشتند، حمله می‌کردند و اموال آنان را به غنیمت می‌بردند. اما کسانی که با عرب‌ها پیمان داشتند به امور معمول خود آزادانه، ادامه می‌دادند. گروه دیگری از دهقانان نیز فرار کرده، کشاورزان را به حال خود واگذاشتند.^{۳۱}

در خصوص دهقانان نواحی غربی قلمرو ساسانی سه نکته قابل توجه است: نخست آنکه

۲۷. همیلتون گیب، *اسلام بررسی تاریخی*، ترجمه منوچهر امیری (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۲۴.

۲۸. *مجموعه التواریخ و القصص*، به تصحیح ملک الشعرا بهار (تهران: چاپ کلاله خاور، ۱۳۱۸)، ص ۴۲۰.

۲۹. ابن اثیر، ج ۳، ص ۱۲۸۰.

۳۰. علی سامی، *نقش ایران در فرهنگ اسلامی* (شیراز: نشر نوید، بی تا)، ص ۶۶۴.

۳۱. جعیت، ص ۶۱.

وضعیت دهقانان در این محدوده با دیگر نقاط ایران بیش و کم، همانند بود و رشد قدرت و نفوذ بسیار زیاد ملوک الطوائفی زمین‌دار در شاهنشاهی ساسانی، در این بخش قابل توجه است.^{۳۳} دهقانان از دوره خسرو انوشیروان تا زمان فتوح، در کنار نجبای درجه اول، رشد محسوسی داشتند. با افول کامل قدرت سلطنت، نظم نسبی از ایران رخت بر بست و به جای آن هرج و مرج ملوک الطوائفی و به همراه آن استقلال نسبی در املاک بزرگ و املاک دهقانی به وقوع پیوست.^{۳۴} دومین نکته تقسیمات پنج گانه طبقه دهقانی است که مسعودی به آن اشاره کرده است.^{۳۵} پنهان ماندن این موضوع از دید بسیاری از مورخان، به دلیل عدم تعریف درست کلمه دهقان در منابع اسلامی است. اشتراک کلمه دهقان که شامل نجبای ساسانی، دهقانان (اشراف زمین‌دار) و کشاورزان ساده می‌شد، در چگونگی روایات مربوط به فتوح سواد، دخیل است. به هر جهت دهقانان سواد بعد از برخوردی‌های اولیه با عرب‌ها و ناتوانی در دفع این حملات از یزدگرد درخواست کمک کردند.^{۳۵} آنچه از محتوای مطالب منعکس شده در منابع به دست می‌آید، هر کدام از دهقانان در املاک و قلعه‌های خود تعدادی سرباز و جنگاور داشته‌اند که بسته به قدرت و وسعت املاک دهقانان، تعداد این سربازان متفاوت بوده است. مقاومت‌های جسته و گریخته در مقابل عرب‌ها نیز که از سوی دهقانان نواحی سواد صورت می‌گرفته است، تأییدی بر این مطلب است.

دهقانان نواحی سواد، در ابتدای ماجرای فتوح، امید به ساسانیان داشتند اما با شکست ساسانیان و شکست مقاومت‌ها و حصارى شدن در قلعه‌ها،^{۳۶} دریافتند که می‌بایست با نظام جدید، سازگاری کنند یکی از دهقانان تیسفون به نام شهریار با سپاه عرب جنگید و کشته شد.^{۳۷} دهقان دسکره (دستگرد خسرو) در نزدیکی بغداد نیز به جرم خیانت به عرب‌ها کشته شد. کشتار دهقانان دشت میشان به جرم مقاومت در برابر عرب‌ها و نبرد دهقان سوق‌الاهواز با والیان عرب از مهمترین مقاومت‌های دهقانان در برابر عرب‌ها بود^{۳۸} اما با بررسی ساختار طبقه دهقان می‌توان، میزان گرایش آنان به صلح و امنیت را به دست آورد. املاک دهقانی که انبوهی از کشاورزان در

۳۲. دریایی، سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان. ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز

امیرخانی (تهران: نشر تاریخ ایران. ۱۳۸۳)، ص ۶۸.

۳۳. جعیط، ص ۶۲.

۳۴. مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۷۸.

۳۵. طبری، ج ۳، ص ۵۰۳.

۳۶. دینوری، ص ۱۴۵.

۳۷. طبری، ج ۱، ص ۲۴۲۱ و ۲۴۲۳.

۳۸. بلاذری، ص ۳۲۴ و ۴۲۰ و ۴۲۲ و ۴۶۴ و ۴۶۶.

آن کار می‌کردند و مالیات سالیانه آن را حکومت ساسانی از طریق دهقانان ارزیابی و وصول می‌کرد، نیازمند حمایت در برابر هر نوع غارت و تهاجم نظامی بود. دهقانان با تیزی، افول و سقوط دستگاه ساسانی را تشخیص داده بودند. اگرچه برخی از دهقانان توان نظامی قابل توجهی می‌توانستند گردآوری کنند، اما تسلیم شدن و صلح کردن بسیاری از همقطاران آنها را از این کار باز می‌داشت. از این‌رو برای تحمل کمتر اثرات و تبعات مقاومت، ناچار به مصالحه با فاتحان، برآمدند. سیاست مصالحه دهقانان علاوه بر داشتن امان، از نظر وضعیت بی‌ثبات بین‌النهرین قابل توجه است. زیرا در شرایط صلح دهقانان سواد با خالد بن ولید به شرط پرداخت صد و بیست و هشت میلیون درهم، امنیت و مقام خود را حفظ کردند.^{۳۹} از نظر دهقانان سواد حکومت عرب اگر دوام می‌آورد که مبلغی پرداخته و جان و مال خود را خریده بودند و اگر سپاه ایران دوباره منطقه را تصرف می‌کرد از نظر وفاداری به شاه و حکومت ساسانی نیز مشکلی نداشته‌اند. چرا که تجارب آنها از گذشته‌ها چنین مسأله‌ای را تأیید می‌کرد. به طور مثال در قرارداد صلح ابن صلوبا با خالد، ابقای مالیات خسرو و تداوم پرداخت آن آورده شده بود.^{۴۰} می‌توان چنین تصور کرد که به دلیل هرج و مرج ملوک‌طوایفی و عدم ثبات در دربار ساسانی، دهقانان سواد هنوز در ذهنیت تاریخی خود به دنبال ثباتی در آینده برای رفاه محلی خود بودند و هجوم عرب را یکی از منابع متعدد قدرت و جزئی از این هرج و مرج موجود فرض می‌کردند.^{۴۱} این مهم در وقایع پس از نبرد جسر (پل) که به شکست عرب‌ها انجامید، باعث گرایش دهقانان به سپاه ساسانی گردید.^{۴۲} با رسیدن سپاه ساسانی به فرماندهی جابان و نرسی، شورش علیه مسلمانان به وجود آمد اما با شکست کسکر جابان اسیر و شورش دهقانان میشان نیز سرکوب شد و کلیه پیمان‌شکنان توسط عرب‌ها که در ابتدا شرایط آسانتری را با آنها داشتند، تنبیه و مجبور به پرداخت غرامت شدند.^{۴۳} با بروز این مسأله خلیفه برای دلجویی از دهقانان به‌خصوص کسانی که مسلمان شده و در تعامل با مسلمانان بودند، بخشش‌هایی را در نظر گرفت. این سیاست از آن روی صورت می‌گرفت که جایگاه سپاه اسلام را تقویت کرده، نگرش عمومی متنفذین بومی را نسبت به اسلام و عرب‌ها

۳۹. ابن خردادبه (ترجمه خاکرند)، ص ۱۹.

۴۰. ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۰۰.

۴۱. دریایی، ص ۶۸.

۴۲. طبری، ج ۲، ۳۶۳.

۴۳. دانیل دنت، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه علی موحد (تهران: نشر خوارزمی، ۱۳۵۸)،

تغییر دهد. جمیل بن بصیهری، دهقان فاللیج و نهرین^{۴۴} و بسطام بن نرسی دهقان بابل، فیروز دهقان نهر ملک و کوئی^{۴۵} و گروهی دیگر از دهقانان اگرچه در آغاز مقاومت‌هایی کردند، اما به ناچار اسلام آوردند؛ خلیفه دوم نیز اعتراض نکرد و زمین‌های ایشان را نگرفت و بار جزیه را نیز از گردنشان برداشت.^{۴۶} شوشتر نیز به راهنمایی دهقانی به نام نسیمه (سبیه) و توسط سپاهیان ابوموسی اشعری فتح شد.^{۴۷} در فتح این شهرها دهقانان با ساخت پل، نشان دادن راه‌های مخفی و وارد کردن عرب‌ها با لباس مبدل به شهرها، به فاتحان کمک‌های بسیار کردند. این امر توأم با جذب شدن ساکنان سرزمین‌های ایرانی به حکومت اسلامی بود و این روند با جذب دهقان‌ها به سکونت‌گاه‌های جدید عرب‌ها نظیر کوفه، سرعت می‌گرفت.^{۴۸} توسعه فتوح اسلامی با توسعه مهاجرنشین‌ها همراه بود^{۴۹} این مهاجرنشین‌ها (کوفه و بصره) مانند پل‌های مستحکم برای عبور سپاه اسلام و جذب مالیات و غنائم، عمل می‌کرد. رفتار خلیفه دوم در وا نهادن زمین‌ها به دهقانان، باعث دو نتیجه مناسب می‌گشت. یکم آنکه با واگذاری زمین‌های موروثی دهقان‌ها به آنها، احساس تغییر وضعیت اجتماعی و مالکیت را در آنها از بین می‌برد و باعث آبادانی منطقه‌ای می‌شد که سپاه از آن عبور می‌کرد؛ دوم آنکه با واگذاری و به مزارعه‌دادن زمین‌های شاهی که رسماً جزو اموال دولت اسلامی شده بود، علاوه بر زیاد کردن زمین‌های زیر کشت، وضعیت مالی و اقتصادی دهقانان را نیز بالا می‌برد.^{۵۰} حتی در برخی از منابع سخن از دلجویی دهقانان و برداشتن جزیه بود که این مهم در کل نتیجه دیگری نیز داشت و آن حفظ نیروی جنگی سپاه اسلام بود که با مانع شدن از زمین دار شدنشان، گستره فتوح را به نواحی داخلی ایران نیز می‌کشاند.

۴۴. فاللیج و نهرین: فلوجه بالا و فلوجه پائین دو ولایتی که بین دو شاخه فرات پائینی واقع بودند و نهر سورا در خاور آنها و فرات اصلی در باختر آنها بود. رک: گای لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان (تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷)، ص ۸۱.

۴۵. نهر ملک: سومین نهری است که از فرات جدا می‌شود و به دجله می‌ریزد و در ابتدای مسیر آن قریه فلوجه و پایان مسیر آن سه فرسخ زیر مدائن است که به دجله می‌ریزد نهر کوئی: چهارمین نهری است که از فرات جدا می‌شود و به دجله می‌ریزد ابتدای آن سه فرسخ زیر شهر ملک و پایان آن ده فرسخ زیرمداین است کوئی دو شهر و دوناحیه است یکی کوئی طریق و دیگری کوئی ربا (لسترنج، ص ۷۵). (لسترنج، ص ۷۴).

۴۶. بلاذری، ص ۲۷.

۴۷. حسن بن محمد قمی، *تاریخ قم*، تصحیح جلال الدین تهرانی (تهران: نشر توس، ۱۳۶۱)، ص ۲۹۸.

۴۸. جمال جوده، *اوضاع اجتماعی اقتصادی موالی در صدر اسلام*، ترجمه مصطفی جباری و مسلم زمانی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ص ۱۶۰.

۴۹. گیب، ص ۲۴.

۵۰. عبدالحسین زرین کوب، *تاریخ مردم ایران*، ج ۲ (تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۷۷)، ص ۵۰-۴۸.

در زمان فتوح چهار نوع زمین در منطقه سواد وجود داشت: یکم، سرزمین حیره و توابع بود که عهدنامه صلح داشتند؛ دوم، املاک دهقانان که در تصرفشان بود؛ سوم، املاک شاهی (خالصه) که جزو اموال دولت اسلامی (بیت‌المال) شد؛ چهارم، اراضی متروکه و لم یزرع که از این اراضی منطقه حیره و ایس مالیات ثابتی را که با خالد توافق کرده بودند، می‌پرداختند. اما املاک دهقانی را خلیفه دوم در دست مالکان مصالحه‌جو یا حتی جنگجو نیز وا نهاد به شرط آنکه مالیات دوره کسری را بپردازند.^{۵۱} خلیفه ادارهٔ املاک شاهی را به دهقانان سپرد و اگرچه عمالی بر آنها نهاد اما هدفش آبادانی این زمین‌ها و افزایش مداخل دولتی بود. املاک سواد به‌جز معدود املاکی که وضعیت مناسبی داشتند،^{۵۲} همواره در خطر فرو رفتن در آب و تبدیل شدن به مرداب و نیزار بودند.^{۵۳} از این رو وابستگی کار دهقانان سواد به نیروی دولتی زیاد بود.^{۵۴} تعمیر سدها و بندهای شکسته که در اثر هرج و مرج‌های اواخر دوره ساسانی و ناامنی تخریب شده بودند در سرلوحه اقدامات اصلاحی دولت اسلامی بود.^{۵۵}

با افزایش درآمد دهقانان و بهبود وضع اقتصادی در منطقه سواد^{۵۶} و تسلط قطعی مسلمانان بر این نواحی، تغییر نگرش غیر مسلمانان نسبت به اسلام رخ داد و دهقانان در این میان جزو نخستین گروه‌های اجتماعی در پذیرش اسلام بودند. حقیقت این است که تنوع حضور اقوام و ملل همراه با آئین‌های متفاوت و نگرش تاریخی مردم بین‌النهرین که ریشه در چندین هزار سال تمدن آنان داشت، در چگونگی پذیرش اسلام از سوی آنان تأثیر فراوان داشت. خلافت اسلامی توانسته بود نقش حکومت مقتدری را ایفا کند که این شهرنشینان در سایه پرداخت مالیات علاوه بر حفظ امنیت به رونق و آبادانی سرزمین خویش همت گمارند؛ چیزی که در اثر هرج و مرج اواخر دوره ساسانی از یاد رفته بود. دهقانان نیز در این بین با اشراف جدید عرب رابطه برقرار کرده و به تدریج در اثر تغییر آئین که نظایر آن در هنگام فتوح بسیار زیاد بود، وارد اشرافیت عرب شدند و تسلط کامل و شامل اسلام و زبان عربی به این منطقه نیز هویت متنوع آن را یک دست کرد^{۵۷} به‌جز اندکی از اهل

۵۱. دنت، ص ۵۴.

۵۲. دنت، ص ۵۵.

۵۳. ابوالقاسم عبیداله بن عبدالله ابن خردادبه، *المسالک و الممالک*، ترجمه حسین قره چانلو (تهران: نشر نو، ۱۳۷۰)، ص ۱۵۹.

۵۴. بلاذری، ص ۵۳.

۵۵. دنت، ص ۶۳.

۵۶. ایراماروین لاپیدوس، *تاریخ جوامع اسلامی*، ترجمه محمودرمضان زاده (مشهد: نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶)، ص ۸۹.۵۷. جمشید گرشاسب چوکسی، *ستیز و سازش*، ترجمه نادر میرسعیدی (تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۱)، ص ۹۸.

کتاب که اسلام با تسامح با آنها رفتار می‌کرد، سایر ادیان به خاطر شرایط بهتر مسلمان شدن مجبور به ترک آئین و یا مهاجرت‌های کلان شدند. خلوص رفتار اسلامی و دلجویی‌های خلفای نخستین اسلام و نیاز خلافت به منطقه‌ای آرام و بدون تشنج برای نفوذ به نواحی داخلی ایران و تلاش برای مهار آب‌های سطحی و گسترش کشاورزی در اراضی شاهی قدیم و بایر، باعث جذب دهقانان نواحی غربی به خلافت شد، این دهقانان به تدریج در اثر ترویج اسلام و زبان عربی و نزدیکی به مرکز خلافت اسلامی متحول و جذب جامعه عرب - اسلامی شدند.^{۵۸}

دهقانان نواحی داخلی ایران

با عبور سپاه اسلام از حیره و سواد، نوبت به سرزمین‌هایی رسید که اشتراک هویتی کمتری با جامعه عرب‌زبان داشتند. این نواحی تحت تسلط مستقیم مادی و معنوی ساسانیان قرار داشت. اگرچه افول قدرت ساسانیان در سراسر ایران زمین مشهود بود، اما دهقانان این مناطق که به صورت محلی مسئولیت دفاع از املاک و ارگ‌های حکومتی خود را به عهده داشتند، از خود مقاومت‌هایی نشان دادند. با این همه به دلیل پافشاری عرب‌ها در تعقیب یزدگرد،^{۵۹} دهقانان چندان که باید به یزدگرد روی خوش نشان نمی‌دادند،^{۶۰} تا وی سرزمین آنها را ترک گوید و عرب‌ها را بر سر آنها نریزد. یزدگرد نیز با ناامیدی به شرق متواری شد و عرب‌ها را به دنبال خود کشاند. پس از پیکار نهبوند، عرب‌ها شهرهای زنجان، قزوین، ری، قومن، همدان، قم، کاشان و اصفهان را با یک جنگ و یا به صلح فتح کردند^{۶۱} و سپس به استخر که زادبوم ساسانیان بود حمله بردند. در این مکان بود که مقاومت‌های دهقانان در مقابل عرب‌ها مشکلاتی را پدید آورد و اگر چه سرانجام نیز با عرب‌ها صلح کردند اما سال بعد پادگان عرب را نابود کردند و در نتیجه با یورش دوباره عرب‌ها، خود دچار غارت و قتل عام گردیدند.^{۶۲} با سپری شدن ایام فتوح، دهقانان نواحی داخلی ایران دریافته بودند که امیدی به بازگشت ساسانیان نیست، پس برای حفظ املاک و موقعیت خود در جامعه اسلامی،

۵۸. برای نمونه، نک، ابی عبدالله محمد بن ابی ابکر الزهری، کتاب الجغرافیه، ج ۱، ترجمه حسین قره چانلو (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲)، ص ۱۲۶.

۵۹. ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه نورالله کسائی (تهران: نشر سروش، ۱۳۷۷)، ص ۱۳۶.

۶۰. عبدالرحمن بن خلدون، العبر، ج ۱، ترجمه عبدالمحمد آیتی (تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵)، ص ۵۵۵.

۶۱. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد هروی، تصحیح غلامرضا طباطبائی (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۱۵۶.

۶۲. چوکسی، ص ۱۱۰.

با عرب‌های مسلمان از در صلح درآمدند.^{۶۳}

با سقوط شهرهای بزرگ نواحی داخلی ایران، بخش‌های وسیعی چون آذربایجان، اصفهان، فارس و جبال تسلیم عرب‌ها شدند. این نواحی با حیره و عراق متفاوت بودند. ساکنان جنوب عراق، سامیان، سوریان، آرامیان و تا حدی یهودیان،^{۶۴} و با حضور مانویان و مزدکیان بودند و در نتیجه ترکیب قومی و فرهنگی گوناگون اما متفاوت با نواحی داخلی ایران داشتند و حتی در شرایط مطلوب‌تری در نزدیکی با جامعه عرب بودند.^{۶۵} از مطالعه در قراردادهای صلح چنین به نظر می‌رسد که عرب‌ها با تسامح بیشتری با ایرانیان ساکن نواحی داخلی رفتار می‌کردند. صلح طبق مقررات قبلی صورت می‌گرفت اما به هنگام شورش و سر از اطاعت بیرون بردن، رفتار عرب‌ها به مراتب سخت‌تر و هولناک‌تر بود. زیرا تأکید خلافت بر این بود که سرزمین‌های مفتوح را با افراد آن اداره کنند و اسیر برای خلافت نگیرند، بلکه با آزاد ساختن آنها در امر آبادانی باعث فراوانی خراج دولت اسلامی شوند.^{۶۶} دیگر اینکه در صورت بروز هرگونه شورش و نافرمانی ایرانیان، با کشتاری سخت، تخم وحشت را در دل آنها کاشته و درس عبرتی برای سرزمین‌های دیگر بسازند.^{۶۷} عرب‌های مسلمان با فتح نواحی داخلی ایران، شهری از خود بنا نکردند، بلکه در شهرهای بزرگ سکونت‌گاه‌ها و پایگاه‌های خود را برای اعمال تسلط و رواج دین جدید در محلات مختلف یا کنار همان شهرها

۶۳ بعد از پیروزی عرب‌ها در نبرد نهاوند، در ادامه سیاست تعقیب یزدگرد پای مسلمانان به نواحی داخلی ایران باز شد. حلوان توسط جریر بن عبدالله در سال ۱۹ به صلح فتح شد و به دنبال آن کرمانشاه (قرمسیین) به صلح باز شد. ابوموسی اشعری والی بصره، دینور و ماسبدان را گشود. همدان به دست مغیره بن شعبه یا جریر بن عبدالله فتح شد. نعیم بن مقرن ری را به سختی و جنگ گرفت و ویران نمود. نهاوند با قبول پرداخت وجه صلح کرد. قزوین توسط براء بن عازب تسلیم عرب‌ها شد. آذربایجان به صلح فتح شد. خوزستان را ابوموسی اشعری فتح کرد تنها شهر شوشتر با عرب‌ها مقابله نمود. اصفهان با عرب‌ها صلح کرد. قم به جنگ فتح شد اما کاشان صلح نمود. البته بعضی از شهرها دو بار فتح می‌شد و مورخان هر دو بار یا یکی از دو بار را ضبط می‌کردند که در تاریخ و چگونگی فتح آن اختلاف به وجود می‌آمده است. حکم فقهی شهرهایی که به صلح تسلیم می‌شد با شهرهایی که به جنگ فتح می‌شد نیز متفاوت بود اما چون موضوع این تحقیق دهقانان است نگارنده به دنبال قرارها و مصالحه‌هایی است که دهقانان با فاتحان بسته‌اند از این رو از ورود به مقوله گسترده چگونگی فتوح به جنگ یا به صلح به همین مختصر اکتفا می‌نماید. فتوح البلدان، بلاذری، حلوان ص ۱۱۰، کرمانشاه ص ۱۱۰، دینور ص ۱۲۵، ماسبدان ص ۱۲۶، همدان ص ۱۳۱، ری ص ۱۴۷، قومن ص ۱۴۸، دماوند ص ۱۴۷، قزوین ص ۱۵۵، زنجان ص ۱۵۸، آذربایجان ص ۱۶۴، خوزستان ص ۲۴۱، شوشتر ص ۲۴۱، اصفهان ص ۱۳۸، قم و کاشان ص ۱۳۷.

۶۴ احمد العلی، ص ۲.

۶۵ ایلیا پاولویچ پتروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز (تهران: نشر پیام، ۱۳۶۳)، ص ۴۱.

۶۶ ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۴۷۸ در فتح جندی شاپور.

۶۷ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۴۷ فتح ری، ص ۲۴۱ فتح شوشتر ص ۱۳۷ فتح قم و همچنین سرکوب استخر که خاستگاه

ساسانیان بود از این رفتار تبعیت می‌نمود.

احداث کردند و پس از آن سیل مهاجرت قبایل به این نواحی که هم برای ادامه کار فتوح و نیز مالکیت زمین‌های بر جای مانده و مراتع صورت می‌گرفت، به وقوع پیوست. تاریخ قم اطلاعات مهمی از چگونگی اسکان یافتن دو برادر احوص و عبدالله با قبیله همراه خود (اشعر) ارائه می‌دهد. در این شهر یزدان فار و خربنداد و گروهی از دهقانان با قبیله اشعر بر سر مقابله با دیلمیان و زندگی مسالمت‌آمیز، پیمان بستند که پس از چندین سال اعقاب دهقانان نسبت به حضور عرب‌ها اعتراض کردند. این اعتراض با کشتار شبانگاهی مخالفان و تصرف کلیه اموال و املاک آنها به پایان رسید.^{۶۸} نکته قابل توجه مصالحه‌هایی است که با ساکنان صورت می‌گرفت که در آن سیادت عرب به هر عنوانی رعایت می‌شد. یعنی اگر مصالحه، موقعیت عرب را در جایگاه بالاتری به عنوان صاحب اختیار منطقه قرار نمی‌داد، به شورش عرب علیه دهقانان و ساکنان محل می‌انجامید. چنانکه اصفهان با استقرار عرب در یهودیه و جی و روستاهای آباد این منطقه، عرب‌ها ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ساکنان شدند.^{۶۹}

تکوین اجتماعی و اقتصادی جامعه جدید اسلامی با برخورداری از ثروت‌های به دست آمده از غنائم و به سرعت صورت گرفت. در حالی که در حیره و سواد (مرحله نخست فتوح) گسترش دین اسلام با سادگی و اصالت دینی انجام می‌شد، با سقوط مدائن (مرحله دوم فتوح) و سرازیر شدن ثروت‌های به غنیمت گرفته شده از ایران و همچنین مسائل ارضی پس از فتوح، به تدریج ارزش‌های اصلی، جای خود را به ارزش‌های فرعی می‌داد که خلفا نیز از آن در هراس بودند. این تغییر، در فتوح نواحی داخلی ایران کم‌کم ظاهر شد. انعکاس این مسأله در شعری که به هنگام فتح جی سروده شده هویدا است: «فادوسفان خود به نبرد پرداخت. آنگاه که سرهای بریده در میدان در می‌غلتید، با او پیکار کردم و بر او چیره شدم، تا فدیة داد و سر رشته کار به دست ما افتاد. اصفهان با ساکنانش برای ما شتری شیرده شد که همواره برای ما (بهره) روستاها و درهم‌ها فرو می‌ریخت.»^{۷۰} در یک روند پیچیده اما ملموس، فتوح اسلامی، چند مرحله را تجربه کرد. در مرحله اول در جنگ با مرتدین افکار سپاه اسلام تحت هدایت جامعه مدینه و مکه بوده، توجه به اسلام از همه چیز بالاتر بود. در مرحله دوم با اختلاط سپاه اسلام با عرب‌ها نواحی شمالی که متأثر از روم و ایران بودند به

۶۸. قمی، ص ۲۴۷ الی ۲۵۳.

۶۹. محمدمحمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۳ (تهران:

انتشارات توس، ۱۳۷۶)، ص ۳۷۱.

۷۰. ابونعیم، ص ۱۴۱.

دلیل نقش ناچیز دین در حیات اجتماعی‌شان به تدریج افکار دینی اندکی افول یافت.^{۷۱} اما با توجه به نقش خلیفه دوم و حضور صحابه، برتری اسلام، هنوز در شعار و عمل جلوه‌گر بود. در مرحله سوم زمانی فرا رسید که متصرفات اسلامی گسترش یافته، تفکرات متعددی در هسته اصلی خلافت پدید آمد. در این دوره فتوح اسلامی به نوعی اقتصادی شد که اگرچه ترویج اسلام در آن بسیار پررنگ بود اما شیوه و برخورد فاتحان با ساکنان مناطق بیشتر به گسترش امر مالیات و خراج و تصرف املاک تکیه داشت. این روند که در دوران بنی‌امیه رشد فزاینده‌ای داشت، هویت گسترش اسلام را دگرگون کرد؛ به‌گونه‌ای که پس از فتح نواحی داخلی ایران به تدریج مقاومت‌ها که متأثر از عامل جغرافیا نیز بود، رشد چشمگیری داشت.

مهاجرت متوالی عرب‌ها به ایران به وسیله وصلت‌های زیادی که با منتفذان و دهقانان صورت می‌گرفت، نهادینه می‌شد.^{۷۲} فرزندان این ازدواج‌ها اشراف‌زادگانی بودند که در هر دو جامعه اسلامی و ایرانی مورد قبول بوده، درجات و مراتب اجتماعی خاص داشتند.^{۷۳} جذب دهقانان در جامعه اسلامی در نواحی داخلی ایران صورت می‌گرفت. این مسأله جایگاه دهقانان را به عنوان رؤسای محلی حفظ می‌کرد و ننگ جزیه‌دادن را از سر آنها بر می‌داشت و عرب‌ها را در پذیرش منتفذان محلی برای اداره امور مالی و به‌احتمال شرکای ارضی و نسبی راسخ‌تر می‌نمود. این در حالی بود که برخی از دهقانان تا قرن‌ها بعد از اسلام به دین اجدادی خود وفادار بودند.

دهقانان نواحی شرقی ایران

شرق ایران در محدوده خراسان بزرگ،^{۷۴} از نظر بُعد مسافت با خلافت اسلامی و زمان فتوح آن و خصوصاً ویژگی‌های درونی با نقاط دیگر ایران تفاوت داشت. این ناحیه، کانون حماسه‌های ایرانی بود^{۷۵} که در خداینامه‌های ساسانی از آنها یاد شده است؛ مقاومت در برابر همسایگان صحراگرد

۷۱. ریچارد بولت، *گروش به اسلام در قرون میانه*، ترجمه محمدحسین وقار(تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴)، ص ۴۰ و ۴۱.

۷۲. ابوالحسن علی بن زید بیهقی ابن فندق، *تاریخ بیهقی*، تصحیح احمد بهمنیار (تهران: فروغی، بی‌تا)، ص ۱۲۴ در خصوص نسب عربی سالاریان و عماریان.

۷۳. عبدالحی بن ضحاک گردیزی، *تاریخ گردیزی*، به کوشش عبدالحسن حبیبی (تهران: نشر دنیای کتاب، ۱۳۶۳)، ص ۲۶۴. درباره ستیزه نصر بن سبار با ابومسلم و تلاش دو طرف برای جذب یمانیان و مضریان خراسان اطلاعاتی ارائه می‌دهد.

۷۴. خراسان: خراسان امروزی و برخی از بخش‌های سیستان. ابوعبدالله محمدبن مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه القالیم*، ترجمه علی نقی منزوی (تهران: کوشش، ۱۳۸۵)، ص ۳۷۹. گاه بخش‌هایی از ماوراءالنهر (ورارود) نیز در این استان قرار می‌گرفت.

۷۵. ریچارد فرای، *بخارا دستاورد قرن وسطی*، ترجمه محمود عرفان (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵)، ص ۴۹.

مهاجم (تورانیان، هیاطله / هپتالیان، ترکان)، در سیر تاریخ ایران با تکوین حماسه‌های ایرانی در پیوند بود و حتی توانایی حفظ هویت را در شرق ایران بالا برده بود.^{۷۶} فاصله از کانون‌های سیاسی و اجتماعی مقتدر که قادر به تغییر یا اشاعه فرهنگ خود به خراسان باشند نیز این ناحیه را با ثبات نگه داشته بود. نقش تاریخی ساختار ملوک الطوائفی اشکانیان (۲۴۷ ق.م - ۲۲۴ م) که این محل زادومشانشان به حساب می‌آمد، در همزیستی و رشد پایدار منطقه مؤثر بود.^{۷۷} لزوم مقابله با هیاطله در دوران اشکانی و ساسانی نیز از جمله دلایلی بود که این حکومت‌ها به فکر تقویت، امنیت و رشد توانایی‌های این سرزمین باشند؛ به ویژه آنکه پیروز پادشاه ساسانی در اوج جنگ‌های ایران و هپتالیان از آنان شکست خورد و کشته شد (۴۸۴ م). رویارویی با این قوم در مرزهای شرقی ایران، با ایجاد پادگوسبان شرق و سمت مرزبانی دهقانان مرزی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. این دهقانان مرزی، نیروی دفاعی قدرتمندی داشته و برای ایجاد امنیت در املاک و مقابله با متجاوزان بیابانگرد به کار می‌بستند.^{۷۸}

تفاوت دهقانان خراسان با دیگر نواحی در وظیفه دفاع و استقلال داخلی و کم‌رنگ بودن نقش حکومت در مسأله آب و زمین بود و این امر جایگاه آنها را در شرق به مراتب مهمتر از دهقانان نواحی غربی جلوه می‌داد. به‌خصوص زمانی که جنگ‌های ایران و روم در می‌گرفت، وظیفه آنها در حفظ سرحدات شرقی بسیار حیاتی بود. از دوران انوشیروان تا مرگ خسرو پرویز، جنگ با روم که یکی از اصلی‌ترین اهداف ساسانیان بود، باعث شد که دهقانان شرقی قوام و دوام زیادی یافته، در مناطق و املاک خود مقتدر شوند. شکل زمین و نوع آبیاری (قنات) و عدم وابستگی به دولت در امر مهار سیلاب‌ها و مرداب‌ها و مرمت دولتی سدها و بندها که در سواد و بین‌النهرین، رواج بسیار داشت، در سایه همزیستی با ترکان و وجود مذاهب و فرق گوناگون و ناتوانی زردشتیان ساسانی در تعصب‌ورزی به دیگر ادیان شرایطی را پدید آورده بود که دهقانان این دیار از هر لحاظ، قدرت و مکنت زیادی به دست آوردند. بافت دهقانی خراسان در دوره فتوح نیز همچنان به حیات خود ادامه می‌داد.^{۷۹} فرار بازماندگان خاندان ساسانی به نواحی دور دست از جمله خراسان، اموال زیادی را به این سرزمین آورد. این مهم از فرار یزدگرد به مرو و در دوره‌های بعدی قیام بازماندگان ساسانی تأیید

۷۶. ذبیح اله صفا، حماسه سرایی در ایران (تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹)، ص ۱۵۲.

۷۷. محمد جواد مشکور، ایران در عهد باستان (تهران: اشرفی، ۱۳۶۹)، ص ۱۴.

۷۸. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۱۶۳.

۷۹. همانجا.

می‌شود^{۸۰} علاوه بر این تأخر زمانی فتوح بود که هم به جامعه دهقانی فرصت مقابله و مصالحه در شرایط بهتر با عرب‌ها را می‌داد و هم در این مدت بافت خلافت اسلامی دچار تغییرات عظیمی شده بود. اگر چه قسمت عظیمی از خراسان در سال ۳۰ قمری فتح شد، اما نواحی وسیعی یا اصلاً فتح نشده بود یا تنها با عرب‌ها مصالحه‌ای امضا کرده و دوباره سر از اطاعت به در برده بودند.

دهقانان خراسان از نظر شرایط برخورد با عرب‌ها نیز جایگاه خاصی داشتند. وجود ترکان و سرزمین آنها به عنوان یک پناهگاه برای دهقانان و افراد عاصی، توازن قابل قبولی برای دهقانان نواحی شرقی ایران پدید آورده بود.^{۸۱} ماوراءالنهر بنا به گفته اصطخری از همه اقلیم‌های دایره اسلام پر نعمت‌تر بود و مردمانی خیر و بخشنده داشته است.^{۸۲} با وجود این استعدادها، سرزمین خراسان بزرگ توانست در امواج مختلف فتوح و بعد از آن، مهاجرت‌های عرب‌ها و تسلط حکومت‌های اموی و عباسی، بافت اجتماعی خود را حفظ کرده، جایگاه دهقانان را نیز ارتقاء بخشد.^{۸۳} چنانکه گفته شد خراسان به دلایل چند در کف دهقانان باقی ماند. آنان اگر چه مطیع خلافت اسلامی شدند اما به خاطر منافع مالی خلافت و نیاز عرب‌ها به آنها، عاملی در مقابل گسترش اسلام نیز بودند. زیرا با اسلام آوردن زیردستانشان موقعیت اجتماعی دهقانان در جامعه اسلامی به عنوان یک مرجع قانونی محلی از دست می‌رفت و با پذیرش اسلام توسط زیردستان از میزان جزیه و خراج نیز کاسته می‌شد.^{۸۴}

در شرق ایران دهقانان دوره ساسانی رسماً و بدون واسطه جزو دستگاه حکومتی و دارای اختیارات زیاد محلی بودند که به مراتب از دهقانان تحت نظر نواحی جنوبی و غربی ایران که موبدان و ویسپوهران بر آنها نظارت می‌کردند، متنفذتر بودند. اگر از نواحی سیستان و خراسان مرکزی که پادگان‌های عرب در آنها مستقر بودند به عنوان سرزمین‌های فتح شده اسلامی و با شیوه متداول فتوح نام بده شود، نواحی دیگر خراسان نظیر (ورارود) چنین ویژگی را نداشت. فتوح در

۸۰. ابوعلی مسکویه رازی، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم امامی (تهران: نشر سیروس، ۱۳۶۹)، ص ۳۸۶ و ابن خردادبه (چ خاکرند) ص ۲۲ فهرستی از شاهان محلی دوره ساسانی در نواحی شرقی ارائه می‌دهد. کرشان شاه، میان شاه، بجستان شاه، کرمان شاه، کابل شاه، ستوران شاه، نخشب شاه و...

۸۱. بلاذری، ص ۱۷۳. فرار دهقان ترمذ به ترکستان و کمک خواستن وی از ترکان و ابوالقاسم بن احمد جیهانی، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب (مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۸)، ص ۱۷۹.

۸۲. ابواسحاق ابراهیم استخری، *مسالک و ممالک*، تصحیح ایرج افشار (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸)، ص ۲۲۶.

۸۳. احسان یارشاطر و دیگران، *تاریخ ایران کمبریج*، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ترجمه حسن انوشه

(تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸)، ص ۵۴۲.

۸۴. دنت، ص ۱۷۵.

این سرزمین‌ها به سختی و با دادن کشته‌های بسیار از هر دو طرف میسر می‌شد و در ضمن دوام آن نیز بسیار کم بود. حقیقت این است که فاتحان با سرزمین‌هایی روبرو شدند که ملوک الطوائفی رو به زوالی نداشت و نظیر نواحی غربی و مرکزی ایران که نیروی ضد ساسانی در رونق کار فتوح می‌کوشید، در این مکان حضوری نداشت. اسلام آوردن دهقانان خراسان نیز باب جدیدی برای راه‌یابی به جهان اسلام بود.^{۸۵}

واژه دهقان در شرق ایران نیز با معنای غربی و مرکزی آن متفاوت بود. در منابع دوران اسلامی هر صاحب نفوذی را دهقان نامیده‌اند. این معنی به شاهان محلی نیز تعلق می‌گرفت که دو احتمال را پدید می‌آورد: یا دهقانان شرق آنقدر در سلسله مراتب اجتماعی پیشرفت کرده بودند که با اشراف تراز اول، فاصله‌ای نداشتند یا اینکه تعداد زیادی از این دهقانان امرای محلی و شاهزادگان ساسانی بودند که در این منطقه حکومت محلی داشتند^{۸۶} و برای اینکه به سلسله ساسانی منتسب نباشند خود را دهقان فلان محل می‌خواندند تا جزئی از دستگاه جدید مالیاتی در حکومت اسلامی و فرمانروای محلی در املاک خود باقی بمانند. بافت دهقانی شرق به دلیل استقلال نسبی از دستگاه ساسانی و روحانیان زردشتی با روحیه‌ای پهلوانی - حماسی،^{۸۷} در دوره اسلامی توانست ریشه‌های حکومت‌هایی نظیر طاهریان و سامانیان را تشکیل دهد و اقتدار خود را تا زمانه هجوم مغولان حفظ کند. در دوره اسلامی، کوچ دسته‌جمعی دهقانان از جور والیان،^{۸۸} فرار دهقانان از دست حاکم محلی،^{۸۹} استفاده از ترکان برای ایجاد توازن و مهار اعراب،^{۹۰} اعتراض دهقانان بخارا در سال ۱۱۰ قمری به برداشتن جزیه از نو مسلمانان،^{۹۱} حمایت از نهضت‌ها و حکومت‌های مستقل ایرانی و ارائه شخصیت‌های برجسته سیاسی (دیوانسالار)، علمی، ادبی و... نظیر احمد بن سهل، خواجه نظام‌الملک، فردوسی، فرخی و... گوشه‌ای از توانمندی‌های بافت دهقانی جامعه خراسان (دهقانان شرق) است که در منابع تاریخی منعکس شده است.

۸۵. بلاذری، ص ۱۷۳ و همچنین

Hamilton.A.R.Gibb, *the Arab conquests in central Asia* (London: Royal Asiatic Society, 1923), p69.

۸۶. ابن خردادبه (چ خاکرند) ص ۲۲۰

۸۷. استخری، ص ۲۲۹ در خصوص سختی‌های فتوح مسلمانان در دارالحرب ترکستان و بیرونی، آثار الباقیه ابوریحان بیرونی، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷)، ص ۵۷، در خصوص خوارزم و سختی‌هایی که مسلمانان در فتح آنجا داشتند که نشان از روحیه بالای مقاومت شرق نشینان داشته است.

۸۸. بلاذری، ص ۱۷۳

۸۹. ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا. تصحیح مدرس رضوی (تهران: نشر توس، ۱۳۶۳)، ص ۹.

۹۰. جیهانی، ص ۱۷۹.

۹۱. طبری، ج ۹، ص ۴۰۹۴.

تداوم تاریخی نظام دهقانی در قرون نخستین اسلامی

تداوم حیات اجتماعی و سیر تاریخی نظام دهقانی در ایران نیز تابع تفاوت‌های زمانی و مکانی در برخورد فاتحان اسلامی با دهقانان و شرایط آنان در نواحی گوناگون (غربی، داخلی و شرقی ایران) بوده است. در منطقه سواد و حیره به دلیل وجود اقوام و ادیان سامی و انبوهی از اندیشه‌های ضد ساسانی - زردشتی، نزدیکی به مراکز عمده خلافت و اندیشه اسلامی، رواج زبان عربی و خلوص مفاهیم اسلامی در ابتدای زمان فتوح، دهقانان را در امر گسترش اسلام و قبول آئین جدید پیش قدم کرد. قبول آئین جدید، دهقانان را در نظم جدید، یعنی جامعه اسلامی، به صورت امرای محلی در املاک سابق نگه داشت و راه را برای وصلت با فاتحان باز کرد و در قرون آتی نیز حتی تا قرن چهارم قمری (۱۰م) اگر چه نامی از دهقانان در ناحیه سواد و بین‌النهرین به میان می‌آید^{۹۲} اما به دلیل اسلام آوردن و تسلط زبان عربی، به تدریج جزئی از جامعه اسلامی شدند.

اسلام توانسته بود در بین‌النهرین و سواد حکومتی نیرومند برای برقراری نظم به وجود آورد و با کمک برای ساختن سدها و بندها، در گسترش کار کشاورزی و وسعت املاک دهقانان بکوشد. بافت هویتی سامی این ناحیه نیز روند جذب در جهان اسلام را سرعت می‌بخشید. کمتر روایتی از حماسه‌های ایرانی در این مناطق با توجه به وجود پایتخت ساسانی در مقایسه با شرق ایران به دست آمده است. فشار و نفوذ موبدان و دستگاه حکومتی ساسانی آنچنان روحیات ضد ساسانی - زردشتی را در این سرزمین‌ها تقویت کرده بود که می‌توان آن را با روحیه حماسه ملی در شرق مقایسه کرد با این تفاوت که اولی در خدمت اطاعت از عرب‌ها و حکومت فاتحان بود و دومی در ستایش روح استقلال‌طلبی و بازسازی شخصیت تاریخی ایرانیان به کار می‌آمد. از این‌رو، کمتر حسی برای بازیافتن استقلال دهقانان حیره و سواد باقی نمی‌ماند؛ به‌خصوص که بیشتر این دهقانان منصوبان دستگاه ساسانی در منطقه و غیر بومی بوده و اگر هم بومی بودند برای آنها تغییر حکومت ساسانی به فاتحان عرب، تغییر قشر حاکم به حساب می‌آمد.^{۹۳} ذهنیت تاریخی بین‌النهرین نیز مسأله تغییر همواره حاکمان را در حافظه تاریخی خود داشت. ملوک‌طوایفی که مورد تأکید بیشتر مورخان این دوره است در این ناحیه، رو به زوال و متأثر از بافت ساسانی طبقه دهقان بود که با ضربه فاتحان عرب در هم فرو ریخت و برای قرن‌ها به دوران امویان و عباسیان به جز معدودی شورش‌های محلی و رقابت‌های خاندان‌های متنفذ، هویتی جدای از هویت عربی - اسلامی از خود نشان نداد.

۹۲. محمدی ملایری، ج ۳، ص ۳۷.

۹۳. گیب، ص ۲۴.

در نواحی داخلی ایران که زبان ساکنان فارسی بود اسلام به کندی پذیرفته می‌شد. مصالحه‌هایی که بین عرب و دهقانان منعقد می‌شد، در حکم تغییر حاکمان بود تا تغییر بنیادینی که هویت جامعه. ایالت فارس که خاستگاه و کانون دینی ساسانیان بود، مقاومت‌های زیادی از خود نشان می‌داد. در دیگر شهرهای ایران، عرب‌ها مجبور به سکونت در پادگانهای کنار شهرها بودند. مهاجرت‌های قبایل عرب به سوی ایران و اسکان آنها در شهرها و وصلت با متنفذان، به تدریج باعث گسترش اسلام و تغییر در هویت آنها شد. اسلام در این مناطق در جدال با مبانی ساسانی - زردشتی، آتشکده‌ها را برانداخت و با هر گونه شورشی به تندی بر خورد کرد. این نواحی نیز که به دلیل تسلط فوق‌العاده موبدان و دستگاه ساسانی، بافت دهقانی نیرومندی نداشت به تدریج در مقابل مهاجرت‌ها و فشارهای حاکمان مسلمان و فرار از ننگ جزیه که در زمان ساسانیان افراد دون‌شان جامعه می‌پرداختند، به اسلام گرویدند. آنان به دلیل سیطره مستقیم خلافت به تدریج هویتی جدید یافتند. در این منطقه، طبقه دهقان نسبت به سواد و بین‌النهرین دوام بیشتری آورد، اما نتوانست روح حماسی خود را حفظ نماید تا مبنایی برای استقلال طلبی خویش باشد. در این نواحی دو بافت شهرنشین مبتنی بر تجارت و عشیره‌ای مبتنی بر دامپروری و کوچ‌نشینی، توسط عرب‌ها رواج یافته، پذیرفته شد. این دو بافت، طبقه دهقان را به سوی خود جذب کرد و کشاورزی و سکونت در روستا که محور تولید و اداره جامعه دهقانی بود، به بافت شهرنشین و یا زندگی عشیره‌ای کوچ‌نشین، تغییر شکل داد.^{۹۴}

در اصفهان عرب‌ها در یهودیه و جی که بافت شهرنشین و بازرگان داشت، مستقر شده و مسجد خود را بنا کردند^{۹۵} قم و کاشان به تصرف قبیله اشعر درآمد^{۹۶} و چیزی نگذشت که جمعیت عرب قم در سده نخست قمری بر ساکنان بومی فزونی یافت^{۹۷} قزوین و زنجان جایی بود که عرب‌ها در آن مقیم شدند و به تدریج جزئی از ساکنان بومی محل گشتند. نواحی نیمه بیابانی برای عرب‌های مهاجر بسیار دلپذیر بود و زندگی عشیره‌ای در این نواحی توسط عرب‌ها شکل گرفت. در نواحی سیستان و خراسان نیز توالی مهاجرت‌های عرب بافت اجتماعی منطقه را تغییر می‌داد.^{۹۸}

۹۴. اشپولر، ص ۲۷۵.

۹۵. ابونعیم، ص ۱۳۹ و ۱۴۱ در هر دو روایت فتح اصفهان آمده است.

۹۶. قمی، ص ۲۵۵.

۹۷. قاسم خردمندی، «حیات سیاسی اجتماعی قبیله اشعر در قرن اول هجری»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان،

۱۳۸۰، ص ۱۱۰.

۹۸. ابن فندق، ص ۱۲۴ و ۱۲۵ درباره خاندان سالاریان و عماریان که نسب به عرب می‌رسانند سخن رانده است.

خراسان بزرگ نخستین جایی بود که عرب‌ها را در تغییر هویت منطقه، با مشکل روبرو کرد. زبان فارسی دری به شدت در مقابل زبان مهاجمان که از دوردست‌ها به این نواحی آمده بودند، مقاومت می‌کرد. روح حماسی شرق نیز هر بیگانه‌ای را از خود می‌رنجانید. در بخارا اسلام، به زور شمشیر و ساکن کردن عرب در خانه‌های بخارائیان پذیرفته شد. دهقانان در این نواحی با استفاده از ترکان، والیان عرب را تحت فشار قرار می‌دادند.^{۹۹} بعضی از دهقانان از خود کوشک و دژ در خارج از شهرها و روستاها داشتند.^{۱۰۰} در صورت آزرده شدن از حکام و والیان، شهری را در املاک خود می‌ساختند.^{۱۰۱} اما والیان نیز در تلاش بودند که دهقانان را به هر نحوی برای اداره امور نگه دارند. مالکیت زمین و آب در اراضی دهقان، میراث خاندان بومی وی به شمار می‌آمد. شکل زمین و آب نیز وابستگی به دولت را به حداقل می‌رسانید و فقط پرداخت مالیات تنها رابطه با دولت بود. بدین سان دهقان شرقی فردی مستقل، مقتدر و با میراث مادی و معنوی غنی به حساب می‌آمد که تسلط بر چنین ساختاری برای فرهنگ عربی - اسلامی دشوار بود.^{۱۰۲} روایت و نقل حماسه‌های تاریخی حتی تا دوران مغول نیز در این سرزمین مورد توجه دهقانان محلی قرار می‌گرفت، در حالی که در غرب و نواحی مرکزی در قرون قبل از سرودن شاهنامه فردوسی، گرایش و استقبال از حماسه‌های تاریخی نمی‌شد. یکی از روایات حماسی تاریخی غرب ایران، *گردنامه* رستم لاریجانی، معاصر فردوسی در همدان، بود که به دربار یکی از امرای آل بویه عرضه شد و دیگری روایت فیروزان در اصفهان بود که در نیمه نخست سده پنجم نوشته شد، اما فقط در شرق ایران بود که شاهنامه فردوسی به عنوان روایت رسمی حماسه‌های ایرانی باقی ماند و مورد توجه دهقانان و امرای محلی قرار گرفت.^{۱۰۳}

بافت دهقانی شرق، ضمن حفظ موجودیت خود در تاریخ ایران بعد از اسلام، منشاء به وجود آمدن سلسله‌های طاهری و سامانی بود و در سلسله‌های غزنوی، سلجوقی و قراختایی نیز موجودیت و قدرت قابل ملاحظه‌ای داشت. ابن فندق شماری از خاندان‌های دهقان نظیر میکالیان، داریان، سالاریان و... ارائه می‌دهد که مظهر زندگی دهقانی بودند.^{۱۰۴} بسیاری از امرا و وزرا نیز

۹۹. بلاذری، ص ۲۹۳. از شورش اهل بادغیس و هرات و پوشنگ و بلخ خبر می‌دهد.

۱۰۰. نرشخی، ص ۷۴.

۱۰۱. همان، ص ۹ درباره فرار دهقانان بخارا از دست ابروی امیربخارا و ساختن شهر حموکت به ریاست دهقانی به همین نام

اطلاعاتی داده است.

۱۰۲. بابا خان غفوروف، *تشکل مردم تاجیک و سازمان دولتی آل طاهریان، صفاریان و سامانیان*، مجموعه مقالات،

تاجیکان، آریائیها و فلات ایران گردآورنده میرزا اشکورزاده (تهران: سروش، ۱۳۸۳)، ص ۲۷.

۱۰۳. ریچارد، ن. فرای، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا (تهران: نشر سروش، ۱۳۷۵)، ص ۱۴۳.

۱۰۴. ابن فندق، ص ۱۱۶-۱۲۴.

دهقان‌زاده‌های ایرانی بودند. برمکیان و خاندان بنی سهل برای خلفا، احمد بن سهل در سلسله سامانی،^{۱۰۵} خواجه نظام‌الملک در دستگاه سلجوقیان،^{۱۰۶} ابومنصور عبدالرزاق که دستور گردآوری شاهنامه منثور را داد و... دهقان‌زاده‌های خراسان بودند.

افول نظام دهقانی بعد از تشکیل حکومت‌های ترک نژاد در ایران

جایگاه اجتماعی دهقانان از زمانی که به عنوان کدخدایان^{۱۰۷} اداره‌کننده امور محلی بودند تا زمانی که توسط انوشیروان ارتقا درجه یافته و نقش زیربنایی اقتصاد ساسانیان را به عهده گرفتند، قابل توجه بوده است. در زمان فتوح اسلامی هر کدام از دهقانان بسته به شرایط جغرافیایی و تاریخی در تعامل با فاتحان در امور محلی، ابقا شدند و به عنوان اشراف درجه اول جامعه ایرانی بعد از اسلام مطرح شدند. این نقش تاریخی دهقانان همواره در ساختار دیوانی و اداری در حال پیشرفت بود.

اولین برخوردهای فاتحان عرب با دهقانان که به تسلیم گروهی کثیر و مقاومت و نابودی عده‌ای اندک در نواحی سواد و مرکز ایران همراه بود، این نتیجه را در بر داشت که دهقانان به هر شکل چه با قبول اسلام و یا عدم قبول آن، می‌بایست حاکمیت عرب را به رسمیت شناخته، آنان را بر خود مسلط بدانند.^{۱۰۸} این مهم در سال‌های نخستین فتوح که ضرورت‌های عملیات جنگی ایجاب می‌کرد چندان جلب توجه نمی‌کرد؛ اما با گسترش فتوح به داخل ایران عواملی چند در نظام زمین‌داری ایران، لزوم کنش متقابل را بیشتر نمود، تا جایی که عرب‌ها برای اثبات برتری خود، در برخی شهرها اقدام به خیزش‌های غافلگیرکننده و قتل‌عام‌های گسترده کردند که در قم، استخر، سیستان و خراسان نظایر آن گزارش شده است.^{۱۰۹} برخی از این عوامل عبارتند از: تصرف زمین‌های شاهی بدون صاحب مانده، املاک مصادره شده دهقانان مقاومت‌کننده در برابر فاتحان عرب، و نیز مراتع که به تملک شعاری دولت اسلامی و عملاً به تصرف قبایل و رؤسای آنها درآمده بود.

سیاست دهقانان مبنی بر اینکه در مراتب بعدی قدرت و به‌خصوص در محل و املاک خود نفوذ

۱۰۵. گردیزی، ص ۳۳۲.

۱۰۶. ابن فندق، ص ۷۳.

۱۰۷. لقب کدگ‌خدای (xwadāy-kadag) «به عنوان رئیس ده در دوران ساسانیان، به کار می‌رفته است». برخی از محققان معتقدند که کدخدای در آن زمان مرتبه‌ای پایین‌تر از دهقان در معنای کلان آن بوده است. نیز برخی دیگر «گدگ‌خدایان را در خراسان به معنی مالکان و دهقانان را به عنوان رئیس ده دانسته‌اند.» برای بررسی این دیدگاه‌ها، نک، باستانی راد، ص ۷۷-۷۵.

۱۰۸. رضا شعبانی، مروری کوتاه به تاریخ ایران از آغاز عصر مادها تا پایان دوران قاجاریه (تهران: سخن، ۱۳۸۰)،

ص ۳۷۰.

۱۰۹. قمی، ص ۲۴۲-۲۵۷، بلاذری، فتح احوار، فتح سیستان، ص ۲۴۴ و ۲۷۰.

داشته باشند، از سوی خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس با جدیت دنبال می‌شد.^{۱۱۰} تضاد در مالکیت زمین بین دهقانان و اشراف عرب در دورهٔ اموی وجود داشته است و به هنگام روی کار آمدن و خلافت بنی‌عباس نیز که برخی از دهقانان توانستند به موقعیت‌هایی دست یابند، در اقدامات آنی عباسیان غافگیر شده و یک شبه، هستی خود را از دست می‌دادند. برمکیان^{۱۱۱} و دودمان سهل دهقان‌زادگانی بودند که از محدوده خود تجاوز کردند. حتی طاهر بن حسین ذوالیمینین که در مشرق ایران، سپیده‌دم دولت خود را ندید نیز از این سرنوشت برکنار نماند.^{۱۱۲}

چنین نگرشی که خلافت و اشرافیت عرب در رفتار با دهقانان ایرانی داشتند، بسته به دوری و نزدیکی آنها به کانون خلافت، به تدریج از دایرهٔ اختیارات و نفوذشان کاسته شد و همین مهم در بلند مدت به زوال این طبقه انجامید. اولین دسته آنان در رویدادهای فتوح در اثر مقاومت و جنگ با عرب‌ها کشته و یا اسیر شدند که طبق قانون فتوح املاک و هستی‌شان به غنیمت می‌رفت.^{۱۱۳} دومین دسته دهقانان که در صلح با سرداران عرب بودند به تدریج با قبول اسلام و وصلت با قبایل عرب برای حفظ جایگاه سنتی خود، جزئی از اشرافیت عرب شدند. نزدیکی به مراکز مختلف خلافت و مهاجرت‌های پی در پی عرب‌ها به نواحی آنان مؤثرترین عامل در این روند بود. تحلیل رفتن دهقانان در هویت عربی - اسلامی و فشار اشراف عرب برای کسب اقطاع متعدد، در نواحی غربی و مرکزی ایران، باعث افول جایگاه اجتماعی دهقانان گردید. از سوی دیگر اسلام با دو شیوه زندگی شهرنشینی با اقتصاد بازرگانی و زندگی با اقتصاد دامپروری کوچ رو به شهرها و نواحی ایران پا نهاد و این دو عامل باعث شد که طبقه دهقان به زودی در نواحی غربی و مرکزی به چالش افتاده، والیان عرب نیز در راستای ایجاد تمهیدات کشاورزی نکوشند. از این رو گروهی از دهقانان به تجارت و شهرنشینی و شرکت در دسته‌بندی‌های سیاسی رو آوردند. گروهی نیز دامپروری را گسترش دادند و از جایگاه دهقانی خود خارج گشتند. در نواحی شرقی که عرب‌ها دوام قدرت کمتری داشتند بافت دهقانی تا دوره مغول حفظ شد. بعد مسافت تا مراکز خلافت و دوری از فشار مستقیم عرب‌ها و وجود ترکان به عنوان عامل توازن در مقابله با عرب‌ها و از همه مهمتر بافت قوی دهقانی با روحیهٔ حماسی قادر بود در مقابل عرب‌ها مقاومت نماید.

عصر طلایی بافت دهقانی در شرق ایران با سقوط ساسانیان آغاز شد و پس از فتوح اسلامی

۱۱۰. غلامحسین صدیقی، جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵)، ص ۶۵.

۱۱۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۷۰ - ۳۸۷.

۱۱۲. یعقوبی، تاریخ، ج ۲، ص ۴۷۵.

۱۱۳. آلساندرو باوزانی، ایرانیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا (تهران: روزبهان، ۱۳۵۹)، ص ۱۱۰.

به اوج خود رسید، به گونه‌ای که دهقانان با استقلال کامل از خلافت در امور محلی، حکومت‌های کوچکی داشتند این بافت توانست مروّج نهضت ضد اموی شده با برانداختن امویان، زمزمه استقلال نواحی شرقی را در سایه حکومت‌های مستقل ایرانی سر دهد. این دوران با قدرت گرفتن ترکان به عنوان امرای نظامی و رواج پدیده اقطاع به تدریج سپری شد. دهقانان با حمله مغول به دلیل عوض شدن شکل مالکیت ارضی از جایگاه محوری خود خارج و به حاشیه رانده شد و ماهیت کشاورز روستایی به خود گرفت. مالکیت دهقانی تا تشکیل حکومت ترکان در شرق خلافت اسلامی دوام آورد و با تغییر شکل مالکیت و رواج اقطاع و تیول، طبقه دهقان تضعیف شد. دلیل این روند، ورود ایل و مناسبات آن به تاریخ ایران به عنوان یک عامل کارآمد در کسب قدرت بود.

روند حیات فرهنگی دهقانان در طول حیات سیاسی اجتماعی‌شان به دلیل بافت خاص زندگی دهقانی تا حدود زیادی با ثبات باقی ماند. در این زمینه دو اصل توانایی نسبی مادی و معنوی و انزوا از جریان‌هایی که بر عوام تأثیر می‌گذاشت، مهمترین عوامل این ثبات بوده است؛ به طوری که در روند سیاسی اجتماعی و اقتصادی حیات دهقانان از دوره خسرو انوشیروان تا اوایل قرن چهارم قمری (قرون ۶ تا ۱۰م) مشاهده شد، فرازها و نشیب‌های فراوانی در گستره قلمرو ایران و در تنوع مناطق مختلف از نظر برخورد با فاتحان، در زندگی دهقانان به وقوع پیوست. در دوره ساسانی با شروع پادشاهی انوشیروان روند رشد طبقه دهقان آغاز شد که ارتقای جایگاه دهقانان تا سقوط ساسانیان را باعث شد و این روند در دوره اسلامی تداوم یافت.

روند اوج گرفتن جایگاه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و در نتیجه نقش فرهنگی دهقانان در دوره امویان دچار مشکلاتی شد. آنان به شدت تحت فشار از سوی کسانی چون حجاج بن یوسف ثقفی و دیگر انیران اموی قرار داشتند. نگاه نژادپرستانه و اقتصادی امویان مانع از آن بود که دهقانان حیات معنوی و فرهنگی خود را به جامعه اسلامی ارائه دهند. با آغاز خلافت عباسی نقش دهقانان در امور سیاسی، اجتماعی فزونی یافت که با تشکیل حکومت‌های مستقل ایرانی، روح دهقانی این حکومت‌ها، مبین شرکت و استقرار طبقه دهقان در رأس اداره امور سیاسی، اجتماعی است. این روند تغییرات بسیاری را به همراه داشت و دهقانان دائم به دنبال ثبات و یک حکومت مرکزی مقتدر بودند تا بتوانند با اتکا به آن از نابودی خود جلوگیری کنند. این روند در تعامل و تقابل با جامعه بیرونی و پیرامونشان صورت می‌گرفت که گاه به زبان و گاه به نفع دهقانان تمام می‌شد.

حیات فرهنگی دهقانان رویکرد درونی داشت و از این نظر ضربات و صدمات زیادی به آن وارد نیامد. دهقانان در گردآوری خراج و جزیه و اداره امور محلی نقش سپر حمایتی بر زرتشتیان

و ایرانیان را ایفا می‌کردند که می‌توانست ادبیات تاریخی و باستانی را اگرچه نه به صورت علنی، حفظ کنند. دوران نژادپرستانه اموی این امکان را به دهقانان می‌داد که روایات باستانی و تاریخی را نگهداری کنند چراکه دهقانان از تحقیرهای فراوان عرب‌ها نسبت به خود دلگیر شده، در پی ایجاد رقیبی معنوی و با سابقه و مهم در مقابل مدعی نژادگرایانهٔ امویان بودند. اگرچه در این خصوص منابع اولیه اشاره‌ای مستقیم نداشته‌اند اما از فعالیت‌های موالی و به خصوص شعوبیه می‌توان چنین فعالیتی را از دهقانان انتظار داشت. از نیمه دوم دوران خلافت امویان زمزمه‌های شعوبی رواج یافت. خواسته‌های موالی در داشتن حقوق مساوی با اعراب، مبارزه‌های منفی زردتشیان با هجوم فاتحان که سطوت و قدرتشان را نابود کرده بود، همراه با تسویه حساب‌های طبقات مختلف جامعه با عرب در قالب مبارزات فرهنگی شعوبیه به جنگ نژادپرستی‌های اموی رفت و چندان تأثیر داشت که دربار امویان نیز از وجود اندیشه‌های شعوبی خالی نماند.

با زوال و سقوط امویان، و آغاز دورهٔ عباسیان فضای تجلی اندیشه‌های شعوبی بیشتر شد. این روند که در طول دوره امویان حالت تندروانه و شعاری داشت و در مقابله با عرب طراحی شده بود، به تدریج به صورت نقش فرهنگی به ویژه در تألیف و ترجمه آثار درآمد. شعوبیان در دورهٔ عباسی شعرا و موسیقی‌دانان دربار دوره اموی نبودند، بلکه نویسندگان و مؤلفان و مترجمان بودند که از جایگاه اجتماعی بالاتری در جامعه اسلامی برخوردار بودند. با تشکیل حکومت‌های ایرانی فضای ارائهٔ هویت ایرانی و باستانی بیشتر آماده شد. این روند فرهنگی به دلیل عدم تداخل با تحولات سیاسی و اجتماعی می‌توانست در گنج قلاع و خانه‌های ایرانیان به صورت مخفی اجازه رشد و نفوذ بیابد. چراکه صلح و تسلیم دهقانان و ابقا آنان در اداره امور محلی مانع عمده برخورد آراء عرب - اسلامی و نابودی آثار توسط عرب‌ها می‌شد.

نتیجه‌گیری

فتوح اسلامی با تمام گستردگی که داشت، تنها عامل سقوط ساسانیان نبود، بلکه کامل‌کنندهٔ روند سقوط این سلسله بود. بحران‌های متعددی که دگراندیش و ضد ساسانی بودند، بقایای این سلسله را به چالش کشانیدند. تضاد قدرت شاه و موبدان و نجبا، اندیشه‌های مانی و مزدک، جنگ با روم در غرب و هیاطله در شرق، دست به دست شدن تخت شاهی و قوت گرفتن ملوک الطوایفی از مهمترین بحران‌های آن دوره بوده است. فتوح اسلامی با راهنمایی قبایل بنی‌بکر بن وائل، با فتح حیره و سپس سواد آغاز شد که با پی بردن اعراب به زوال ساختار پادشاهی ساسانی و سقوط

زود هنگام پایتخت آن، تشدید نیز شد. این مسأله اعراب را برای فتح نواحی دیگر راسخ تر کرد. دهقانان که تقریباً در سراسر قلمرو ساسانی حضور داشتند به عنوان مأموران گردآوری خراج و ادارهٔ محلی، با اعراب صلح کرده، توسط آنها در جای خود ابقا شدند. دهقانان ایرانی بسته به شرایط جغرافیایی (دوری یا نزدیکی به خلافت) و زمانی (تقدم و تأخر فتوح) و هویت تاریخی، در روند اسلام‌پذیری متفاوت عمل کردند. در نواحی غربی نظیر حیره و سواد که قسمتی از بین‌النهرین قدیم را در بر می‌گرفت، وجود نیروی ضد ساسانی - زردستی و اشتراکات قومی و فرهنگی با عرب‌ها در این منطقه، کار فتوح و اسلام‌پذیری را آسان تر کرد. دهقانان در این ناحیه به سرعت تسلیم فاتحان شدند و در امور خود ابقا شدند؛ اسلام نیز در بین آنها پذیرفته شد. تداوم تاریخی این طبقه در اثر فشار اشراف عرب و نظارت مستقیم خلافت، کوتاه مدت بود و به تدریج جزئی از جامعه عرب - اسلامی شدند. در نواحی داخلی که بافت اجتماعی مردم با اعراب مسلمان تفاوت داشت، اسلام دیرتر پذیرفته شد و کار فاتحان با مقاومت‌های زیادی روبرو گشت. دهقانان این نواحی نیز چاره‌ای جز صلح نداشتند و مهاجرت‌های پی در پی و اسکان اعراب در شهرها به تدریج روند اسلام‌پذیری و تغییر هویت اجتماعی این نواحی را فراهم ساخت. دهقانان برای حفظ موجودیت خود با اشراف عرب مهاجر، وصلت کردند و با قبول اسلام ننگ پرداخت جزیه را از خود برداشتند. روش برخورد فاتحان در این مناطق نسبت به ساکنان و دهقانان به مراتب سخت تر از عراق و حیره بود.

در نواحی شرقی ایران، روند اسلام‌پذیری و تغییر هویت اجتماعی به کندی صورت می‌گرفت. نوع مقاومت‌ها و تسلیم‌ها با نواحی غربی و مرکزی ایران متفاوت بود. دهقانان شرق در یک روند بلند مدت تاریخی، قدرتمند و با اقتدار شده بودند و به دلیل بعد مسافت با مراکز خلافت و وجود ترکان به عنوان یک اهرم فشار بر فاتحان مسلمان، شرایط بهتری داشتند. دهقانان شرق علاوه بر حفظ موجودیت خود بر قدرتشان در دوره اسلامی افزودند. نقش فرهنگی و دیوانسالارانهٔ آنها باعث حفظ روایات حماسی و ترجمه و تألیف متون علمی و ادبی شد. سلسله‌های چندی مانند طاهریان و سامانیان و شمار زیادی از دودمان‌های محلی از دهقانان سر برآوردند. این دهقانان حتی در سلسله سلجوقی و قراختایی نیز تداوم تاریخی خود را حفظ کردند. عامل افول قدرت دهقانان، بر عکس غرب و مرکز که اشرافیت عرب بود در شرق جابجایی مبانی قدرت از جامعه کهن دهقانی به جامعهٔ ایلی و گسترش مسألهٔ اقطاع بود که هم به نفوذ دهقانان خاتمه می‌داد و هم املاک دهقانی را به تدریج به تصرف صاحبان اقطاع در می‌آورد.

کتابنامه

- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. *الکامل فی التاریخ*. ترجمه محمدحسین روحانی. تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۸.
- ابن اعثم کوفی، ابومحمد احمد بن علی. *الفتوح*. ترجمه محمد بن احمد هروی. تصحیح غلامرضا طباطبائی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ابن العبری، ابوالفرج، *تاریخ مختصر الدول*، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۶۴.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله. *مسالك و ممالک*. ترجمه حسین قره چانلو. تهران: نشر نو، ۱۳۷۵.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. *العبر*. ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵.
- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی. *تاریخ بیهقی*. تصحیح احمد بهمنیار. تهران: فروغی، بیتا.
- ابوحنیفه دینوری، احمد بن داوود. *الاخبار الطوال*. دارالحیاء قاهره: الکتب العربیه. ۱۹۶۰.
- ابونعیم اصفهانی. *ذکر اخبار اصفهان*. ترجمه نورالله کسای، تهران: سروش، ۱۳۷۷.
- احمد العلی، صالح. *مهاجرت قبایل عرب در صدر اسلام*. ترجمه هادی انصاری. تهران: سمت، ۱۳۶۲.
- استخری، ابواسحاق ابراهیم. *مسالك و ممالک*. تصحیح ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- اشپولر، برتولد. *ایران در قرون نخستین اسلامی*. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- آرنولد، سرتوماس. *تاریخ گسترش اسلام*. ترجمه ابوالفضل عزتی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیریویچ. *ترکستان نامه*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: آگاه، ۱۳۶۶.
- باستانی راد، حسن. «واژه‌شناسی تاریخی ده و روستا در ایران». *مجله علمی - پژوهشی تاریخ ایران*، دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۵۹/۵، صص ۷۷ - ۷۱.
- بازوانی، آلساندرو. *ایرانیان*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: روزبهان، ۱۳۵۹.
- بلادزی، احمدبن یحیی. *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سروش، ۱۳۶۴.
- بولت، ریچارد. *گروش به اسلام در قرون میانه*. ترجمه محمدحسین وقار. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.
- پتروشفسکی، ایلیا. *پاولویچ اسلام در ایران*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: نشر پیام، ۱۳۶۳.
- تفضلی، احمد. *جامعه ساسانی، سپاهیان، کاتبان و دبیران و دهقانان*. ترجمه شیرین مختاریان و مهدی باقی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- جعیط، هشام. *کوفه پیدایش شهر اسلامی*. ترجمه ابوالحسن سروقده مقدم. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- جوده، جمال. *اوضاع اجتماعی - اقتصادی موالی در صدر اسلام*. ترجمه مصطفی جباری و مسلم زمانی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- جیهانی، ابوالقاسم احمد. *اشکال العالم*. ترجمه عبدالسلام کاتب. به کوشش فیروز منصور. مشهد: نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- چوکسی، جمشید گرشاسب. *ستیز و سازش*. ترجمه نادری میر سعیدی. تهران: نشر ققنوس، ۱۳۸۱.
- خردمندی، قاسم. «حیات سیاسی اجتماعی قبیله اشعر در قرن اول هجری». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۰.

دانیل، آلتون. تاریخ سیاسی و اجتماعی خراسان در زمان حکومت عباسیان. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: علمی و فرهنگی. ۱۳۶۷.

_____ . سقوط ساسانیان، فاتحان خارجی، مقاومت داخلی و تصویر پایان جهان. ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی. تهران: نشر تاریخ ایران. ۱۳۸۳.

دنت، دانیل. مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی. ۱۳۵۸.
دینوری، احمد بن داوود. اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی، ۱۳۶۸.
رازی، نجم الدین. مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد. چاپ محمد امین ریاحی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.

زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ مردم ایران. جلد ۲. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۷.
سامی، علی. نقش ایران در فرهنگ اسلامی. شیراز: نشر نوید. بی تا
شعبانی، رضا. مروری کوتاه به تاریخ ایران از آغاز عصر مادها تا پایان دوران قاجاریه. تهران: سخن، ۱۳۸۰.
شیب مان، کلاوس. تاریخ شاهنشاهی ساسانی. ترجمه فرامرز نجد سمیعی. تهران: سازمان میراث فرهنگی: پژوهشکده زبان، ۱۳۸۳.

صدیقی، غلامحسین. جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری. تهران: امیر کبیر. ۱۳۷۵
صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران از قدیمی ترین عهد تاریخی تا قرن چهارم هجری. تهران: امیر کبیر. ۱۳۶۹

طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر، ۱۳۶۸.
فرای، ریچارد نلسون. بخارا دستاورد قرون وسطی. ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی. ۱۳۶۵.
_____ . عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: نشر سروش، ۱۳۷۵.
قدامه بن جعفر، ابی الفرج. کتاب الخراج و صنعه الکتابه. به کوشش حسین خدیوچم. نشر تهران: بنیاد فرهنگ ایران. ۱۳۵۳.

قمی، حسین بن محمد. تاریخ قم. تصحیح جلال الدین تهرانی. تهران: توس، ۱۳۶۱.
گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک. تاریخ گردیزی. چاپ عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
گیب، همیلتون الکساندر. اسلام بررسی تاریخی. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
لاپیدوس، ایراماروین. تاریخ جوامع اسلامی. ترجمه محمود رمضان زاده. مشهد: آستان قدس رضوی ۱۳۷۶.
مجمّل التواریخ و القصص. به تصحیح ملک الشعراء بهار. تهران: چاپ کلاله خاور، ۱۳۱۸.
محمدی ملایری، محمد، تاریخ و فرهنگ ایران، در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی. تهران: انتشارات توس. ۱۳۷۶

مسعودی، علی بن حسین. التنبیه و الاشراف. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
_____ مروج الذهب و معادن الجوهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
مسکویه رازی، ابوعلی. تجارب الامم و تعاقب الهمم. ترجمه ابوالقاسم امامی. تهران: نشر سیروس، ۱۳۶۹.
مشکور، محمد جواد. ایران در عهد باستان. تهران: اشرفی، ۱۳۶۹.

مورگان، دیوید. *ایران در سده میانه*. ترجمه فرخ جوانمردیان. تهران: نشر فروهر ۱۳۷۴.
نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر. *تاریخ بخارا*. تصحیح مدرس رضوی. تهران: نشر توس، ۱۳۶۳.
هوار، کلیمان. *ایران و تمدن ایران*. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.
بارشاطر و دیگران. *تاریخ ایران کمبریج، از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*. ترجمه حسن انوشه. تهران:
امیر کبیر، ۱۳۶۸.

یعقوبی، ابن واضح. *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
Tafazzoli, Ahmad. "Dehqān, in the Sasanian Period." *Encyclopaedia Iranica*. Vol. IV:
Mazda Publishers, 1999. p. 223-226

Hamilton.A.R.Gibb , *the Arab conquests in central Asia* , London: Royal Asiatic Society,
1923.

Hugh Kennedy ,*The Armies Of The Caliphs* ,New York:Routledge,2001.